

اناجیل

درس
پنجم

انجیل به روایت یوحنا



THIRD MILLENNIUM
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2018 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel[®]. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: اناجیل (درس شماره ۵: انجیل به روایت یوحنا)

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مزده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) پیشینه

نویسنده

دیدگاه سنتی
سرگذشت شخصی

موقعیت

مکان
مخاطب
تاریخ
هدف

(۳) ساختار و محتوا

مقدمه

خدمت عمومی عیسیای مسیح

آمادگی برای خدمت
اولین فصیح
عید بی‌نام
دومین فصیح
عید خیمه‌ها
عید تجدید
سومین فصیح

خدمت خاص عیسی

شام آخر
مرگ و قیام

نتیجه‌گیری

(۴) مضامین اصلی

ایمان

مسیح

هیکل
اعیاد
شریعت

پسر خدا

الاهی
انسانی

حیات

(۵) نتیجه‌گیری

انجیل به روایت یوحنا

مقدمه

اسمش صوفیا است. البته این اسم واقعی او نیست. اسمی است که برای مخفی شدن از دوستان و اعضای خانواده‌اش که او را تهدید به مرگ می‌کنند استفاده می‌کند چون او حالا پیرو مسیح شده است. صوفیا از زمینه‌ای می‌آید که در آن مسیحی شدن به جفا ختم شود. این موضوع امروز هم در بعضی کشورها نیز واقعیت دارد و در قرن اول هم چنین بوده است. در روزگار یوحنا یهودیان ایماندار را از کنیسه بیرون می‌کردند چون آنها باور داشتند که عیسی تحقق وعده‌های باستانی خدا به پدران‌شان است. آنها را از خانواده، از تاریخ و دین‌شان حذف می‌کردند. یوحنا خطاب به این ایمانداران نوشته و به آنها اطمینان می‌دهد که عیسی همان مسیح و پسر خداست. او می‌خواست اطمینان حاصل کند که آنها در سخت‌ترین شرایط هم به عیسی وفادار می‌مانند و از زندگی پربرکت در او بهره‌مند می‌شوند.

این پنجمین درس ما در مجموعهٔ اناجیل است. در این مجموعه چهار کتاب از کتاب‌مقدس را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا ببینیم که عیسی چگونه ملکوت و جلال خدا وارد تاریخ جهان کرد. عنوان این درس، «انجیل به روایت یوحنا» است. این درس را به گونه‌ای خواهیم خواند تا به ما کمک کند انجیل یوحنا را بهتر درک و خدا را عمیق‌تر محبت کنیم و از زندگی خودمان در مسیح به پُری بهره‌مند شویم.

در این درس، انجیل یوحنا را از سه منظر مهم بررسی خواهیم کرد. اول، به پیشینهٔ انجیل یوحنا نگاهی خواهیم کرد. بعد ساختار و محتوای آن را بررسی می‌کنیم و در نهایت به مضامین اصلی انجیل یوحنا خواهیم پرداخت. کار را با پیشینهٔ انجیل یوحنا شروع می‌کنیم.

پیشینه

پیشینهٔ انجیل یوحنا را با نگاهی به نویسنده و موقعیت نوشتاری آن بررسی می‌کنیم. بگذارید با نویسندهٔ انجیل یوحنا شروع کنیم.

نویسنده

در طول تاریخ کلیسا، مسیحیان همواره این انجیل را به شاگرد عیسی یعنی یوحنا برادر یعقوب و پسر زبدي نسبت داده‌اند. یوحنا یکی از اعضای حلقهٔ مورد اعتماد عیسی و ستون ایمان جامعهٔ مسیحی اولیه محسوب می‌شد.

نوشته‌های او در عهد جدید تنها به انجیل یوحنا محدود نمی‌شود بلکه رساله‌های اول، دوم و سوم یوحنا و نیز کتاب مکاشفه یوحنا نیز از جمله این کتاب‌ها هستند.

موضوع نویسندگی انجیل یوحنا را در دو مرحله بررسی می‌کنیم. اول، خواهیم دید این دیدگاه سنتی که یوحنا نویسنده این انجیل است، قابل اتکاست. دوم، به سرگذشت شخصی یوحنا می‌پردازیم. بگذارید با بررسی دیدگاه سنتی شروع کنیم که معتقد است یوحنا، نویسنده چهارمین انجیل است.

دیدگاه سنتی

انجیل یوحنا یکی از کتاب‌های کتاب‌مقدسه که درش نوشته نشده که یوحنا نویسنده کتاب بوده. و به نظر من باید از همین نکته شروع کنیم. ما مسیحیانی که به کتاب‌مقدس ایمان داریم، می‌دویم که هیچ گفته قطعی وجود ندارد که مشخص کند این کتاب رو کی نوشته. در قرن دوم میلادی، ترتولیان و آیرنیوس و تعداد دیگری یقین داشتند که یوحنا نویسنده این انجیل. حتما این سوال رو باید پرسیم که چرا این افرادی که در دوره زمانی خیلی نزدیک به آخرین رسولانی که در قید حیات بودند و یا حداقل در نسل بعد اونها زندگی می‌کردند و شاید با اونها در ارتباط بودن، اینقدر روی این موضع پافشاری می‌کردند و عده دیگری هم بودند که چنین ادعایی داشتند. بعد وقتی به خود انجیل مراجعه می‌کنید، باید به شواهد موجود در کتاب نگاه کنیم که در آنجا شاهدان عینی وجود دارن که نویسنده کتاب طوری درباره اونها حرف می‌زنه که انگار در صحنه حضور دارن. مثلا، در شام آخر گفته میشه آن شخص سر سفره نشسته یعنی رسول محبوب او، به همراه عیسی سر سفره نشسته و این یک نشانه بسیار محکمی است.

- دکتر استیو هارپر

به استناد سه شاهد اولیه می‌توانیم تایید کنیم که به احتمال بسیار قوی یوحنا نویسنده انجیل چهارم بوده است. اول، به نسخه خطی و قدیمی انجیل یوحنا مراجعه می‌کنیم.

نسخه خطی. بسیاری از نسخ خطی قدیمی «یوحنا» را به عنوان نویسنده چهارمین انجیل معرفی می‌کنند. به عنوان نمونه، پاپیروس ۶۶ و پاپیروس ۷۵، که تاریخ تقریبی آنها به ۲۰۰ میلادی برمی‌گردد، هر دو این انجیل را «یوانگالیون کاتا ایوانن» یا همان «انجیل به روایت یوحنا» خطاب می‌کنند. نسخه دست‌نوشته خطی سینائیه و نسخه دست‌نوشته واتیکانیه که هر دو در اواسط قرن چهارم میلادی نوشته شدند، این انجیل را فقط «کاتا ایوانن» یا همان «روایت یوحنا» می‌خوانند.

البته، یوحنا اسم غیرمتداولی نبود. اما در نوشته‌های کلیسای اولیه اسم «یوحنا» به طور ویژه‌ای اشاره به همان یوحنایی دارد که در کتاب‌مقدس از او به عنوان یوحنای رسول یاد شده است.

نه تنها نسخ قدیمی خطی حاکی از اثبات نویسندگی یوحناست بلکه از شواهد درونی نوشته‌های انجیل نیز می‌توان به همین نتیجه رسید.

شواهد درونی. نویسنده انجیل راجع به بحث‌هایی بین عیسی و رهبران یهود صحبت می‌کند که درباره نکات خاصی از شریعت یهودی است. این بحث‌ها نشان می‌دهند که نویسنده آن درک بالایی از شریعت یهود دارد، درست همانطور که یوحنا به عنوان یک یهودی فلسطینی از چنین درکی برخوردار بود.

اگر یک قدم فراتر بگذاریم، دلایلی را خواهیم یافت که نشان می‌دهد نویسنده این انجیل، یک یهودی فلسطینی است. ویژگی فلسطینی بودن انجیل را می‌توان در توصیف خدمت عیسی در آن مشاهده کرد. به عنوان مثال، در یوحنا ۷:۱۵، نویسنده به اهمیت تعالیم مذهبی از دیدگاه رهبران فلسطینی یهود اشاره می‌کند.

نویسنده چهارمین انجیل همچنین از مضامین مذهبی و عباراتی مشابه با نوشته‌های یهودیان فلسطینی قرن اول استفاده می‌کند. برای نمونه، برخی از محققین، تشابهاتی را بین نوشته‌های انجیل یوحنا و نوشته‌های موجود در قمران که موسوم به «طومارهای دریای مرده» است پیدا کرده‌اند. به عنوان مثال، عبارت «فرزندان نور» هم در اسناد قمران و هم در یوحنا ۳۶:۱۲ مشهود است. و عبارت «نور حیات» نیز هم در نوشته‌های قمران و هم در یوحنا ۱۲:۸ دیده می‌شود. چنین تشابهاتی نشان می‌دهند که نویسنده چهارمین انجیل در خانواده‌ای بوده که در آن به سبک گویش مذهبی فلسطینی در قرن اول صحبت می‌شده است.

متن انجیل نه تنها نشان‌دهنده آن است که نویسنده‌ای فلسطینی یهودی داشته، بلکه نشان می‌دهد که نویسنده آن خود شاهدی عینی بوده است. این موضوع با مشخصات یوحنا همخوانی دارد چون او شاهد عینی زندگی عیسی بوده است. دلایل زیادی وجود دارند که نشان می‌دهند نویسنده خودش شاهدی عینی بوده است. برای نمونه، بعد از مرگ عیسی، یوحنا ۳۵:۱۹ چنین می‌گوید:

و آن کسی که دید شهادت داد و شهادت او راست است و او می‌داند که راست می‌گوید تا شما نیز ایمان آورید (یوحنا ۱۹:۳۵).

در اینجا نویسنده به روشنی اشاره می‌کند که شاهد عینی مرگ عیسی بوده است. همچنین ادعای مشابهی در یوحنا ۲۱:۲۰-۲۴ می‌بینیم که در آن این شاهد عینی شخصی را به عنوان شاگردی که «عیسی او را محبت می‌نمود» معرفی می‌کند که نشان می‌دهد نویسنده، رابطه شخصی نزدیکی با عیسی داشته است.

به این فکر کنید که وضعیت یوحنا که در شام آخر به سینه عیسی تکیه زده بود، چگونه بوده! رابطه نزدیکی که بین این دو بوده را تصور کنید! لحظه‌ای که عیسی روی صلیب جان می‌داده و مادرش رو به جای برادرها و خواهرانش

به یوحنا رسول می‌سپاره. باز نتیجه می‌گیریم که رابطه بسیار عمیق و صمیمی بین این دو شخص وجود داشته. اما یوحنا حتی در معرفی خودش با غرور و خودپسندی صحبت نمی‌کند بلکه خودش رو شاگردی که عیسی دوست می‌داشت معرفی می‌کند.

- کشیش تاد جیمز

به این شاگردی که «عیسی او را محبت می‌نمود» چندین بار در انجیل یوحنا اشاره شده است. برای نمونه، در یوحنا ۱۳:۲۳ این شاگرد محبوب در شام آخر در کنار عیسی نشسته است. در یوحنا ۱۹:۲۶-۲۷ عیسی با این شاگرد محبوب حرف می‌زنند و اطمینان حاصل می‌کند که او از مادرش مراقبت خواهد کرد. همین شاگرد در صبح رستاخیز به همراه پطرس در یوحنا ۲۰:۲-۸ سر قبر می‌رود و در ۷:۲۱ همین شاگرد محبوب اولین کسی بود که عیسی را در ساحل می‌شناسد.

در این انجیل، به اسم یوحنا رسول به عنوان نویسنده اشاره نشده چون ترجیح یوحنا این بوده که خودش رو کسی معرفی کند که عیسی او را دوست می‌داشته. او با این کار به نوعی فروتنی خودش رو نشون می‌ده یا به تصویر می‌کشد و بعد اینکه رابطه خودش با خداوندش از یک لحاظ دیگه نشون می‌ده. وقتی انجیل او را می‌خوانید، خیلی جالبه و خودش گویاست که او به همه شاگردان اشاره می‌کند ولی اشاره به اسم خودش نمی‌کند.

- کشیش لری کاکرل

حتی یک بار هم در این انجیل به نام یوحنا اشاره نشده است. جالب است کسی که در اناجیل دیگر نامش به کرات آمده، در این انجیل نام او غایب است. منطقی‌ترین توضیح این است که یوحنا همان شاگرد محبوب عیسی بوده و در این انجیل از روی فروتنی حتی نام خود را ذکر نکرده است. در عوض، تأکید او بر این است که اگر محبت منجی در قبال او نبود او هرگز پیرو عیسی نمی‌شد.

با اینکه خود انجیل از اینکه به احتمال قوی یوحنا این انجیل را نوشته حمایت نمی‌کند ولی نوشته‌های کلیسای اولیه چنین نتیجه‌گیری‌ای را تأیید می‌کنند.

کلیسای اولیه. در سال‌های ۱۷۰ تا ۱۹۰ میلادی، اعتقاد بر اینکه چهارمین انجیل توسط یوحنا رسول نوشته شده است به قطعیت در کلیسا مورد تأیید قرار گرفت. کلمنت اسکندریه، تر تولیان و ایرنیوس تصدیق می‌کنند که یوحنا پسر زبدي نویسنده این انجیل است. یوسیبوس، مورخ کلیسا، در سال ۳۲۵ میلادی از ایرنیوس در کتاب تاریخ کلیسا جلد ۵، فصل ۸، بخش ۴ چنین نقل قول می‌آورد:

یوحنا، شاگرد خداوند، که حتی بر سینه وی تکیه زد، خود انجیل چهارم را در زمانی که در شهر افسس در آسیا می‌زیست به رشته تحریر درآورد.

شهادت آیرنیوس به دو دلیل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اول اینکه، همانطور که یوسیپیوس می‌گوید آیرنیوس شاگرد پولیکارپ اسقف کلیسای ازمیر بوده و بر اساس نامه‌ای که از کلیسای ازمیر درباره شهادت اسقف‌شان فرستاده شده، پولیکارپ یکی از شاگردان یوحنا رسول خوانده شده است. بنابراین ادعای آیرنیوس درباره نویسنده‌ی این انجیل معتبر است چون از منبع معتبری مثل پولیکارپ که یوحنا را شخصاً می‌شناخت این موضوع را شنیده بود. دوم اینکه، آیرنیوس سفرهای بسیاری به کلیساهای اولیه داشته و اطلاعات بسیار زیادی مبنی بر اینکه یوحنا نویسنده چهارمین انجیل بود در اختیار داشته است.

همچنین بسیار مهم است که هیچ مخالفتی با نویسنده‌ی یوحنا وجود نداشته است. در هیچ جایی از نوشته‌های کلیسای اولیه نمی‌توان ادعایی یافت مبنی بر اینکه شخص دیگری به جز یوحنا پسر زبدي نویسنده چهارمین انجیل بوده است. در اصل، تاریخ فقط دو گروه را در مخالفت با انجیل یوحنا ثبت کرده است: آلوگیان و مرقیونیان. هر چند این دو تعالیم انجیل یوحنا را رد می‌کردند ولی نویسنده‌ی یوحنا را انکار نمی‌کنند.

با اینکه نمی‌توان بدون هیچ شبهه‌ای اعلام کرد که نویسنده این انجیل ناشناس یوحنا بوده ولی قابل قبول‌ترین ادعا همان ادعای تاریخی است که یوحنا را نویسنده این انجیل می‌داند.

حال که دیدگاه سنتی درباره نویسنده‌ی چهارمین انجیل از یوحنا را مورد بررسی قرار دادیم و به شواهد قانع‌کننده‌ای اشاره کردیم، حالا به سرگذشت شخصی یوحنا می‌پردازیم.

سرگذشت شخصی

درحقیقت، اطلاعات ما در مورد یوحنا بیشتر از سایر شاگردان عیسی است. در اناجیل از یوحنا به عنوان برادر یعقوب و همچنین از هردو به عنوان «پسران زبدي» یاد شده است. همچنین اشاره شده که یوحنا برادر دوم یا کم سن و سال‌تر از دیگری بوده است. بر اساس آنچه در مرقس ۱:۱۴-۲۱ آمده، کسب و کار ماهیگیری این خانواده در نزدیکی کفرناحوم و دریای جلیل بوده است. طبق آیه ۲۰، کسب و کارشان به قدری خوب بوده که افراد دیگری را نیز استخدام می‌کردند. بر اساس یوحنا ۱:۲۱-۱۴ هم، پس از مرگ عیسی این کسب و کار هنوز به اندازه کافی قوی بود که آنها بتوانند به کار سابق خودشان برگردند.

با مقایسه مرقس ۴۰:۱۵ و متی ۵۶:۲۷ می‌توان دید که «سالومه» مادر آنها بود و حداقل مدتی از عیسی پیروی می‌کرده است. با توجه به متی ۲۱:۲۰، او روزی از عیسی می‌خواهد تا به پسرانش جایگاه ویژه‌ای در ملکوت ببخشد. مقایسه یوحنا ۲۵:۱۹ و متی ۵۶:۲۷ هم نشان می‌دهد که سالومه یعنی مادر فرزندان زبیدی، خواهر مریم مادر عیسی بوده است. در نتیجه، یوحنا پسرخاله عیسی محسوب می‌شد. اگر این موضوع حقیقت داشته باشد، مشخص می‌کند که چرا در یوحنا ۲۵:۱۹-۲۷، عیسی بر روی صلیب از یوحنا می‌خواهد تا از مادرش مراقبت کند. در مرقس ۱۷:۳ یعقوب و یوحنا «پسران رعد» خوانده می‌شوند. از این آیه چنین بر می‌آید که این دو احتمالاً طبع تندخویی داشتند. به عنوان مثال، لوقا درباره رویدادی می‌نویسد که در آن عیسی برای گذراندن شب در شهری سامری به دنبال جایی می‌گردد. وقتی شهروندان آن شهر از سکونت عیسی و شاگردانش جلوگیری می‌کنند، یعقوب و یوحنا با خشونت از خود عکس‌العمل نشان می‌دهند. به لوقا ۵۴:۹-۵۶ گوش کنید:

و چون شاگردان او، یعقوب و یوحنا این را دیدند گفتند: «ای خداوند آیا می‌خواهی بگوییم که آتش از آسمان باریده، اینها را فرو گیرد. اما عیسی ایشان را سرزنش کرد و به روستای دیگری رفتند. (لوقا ۵۴:۹-۵۶)

چنین به نظر می‌رسد که یوحنا در زمان همراهی عیسی شخصی بوده که خیلی زود هیجان‌ناز و احساسات خود را بروز می‌داده است. شگفت‌آور است که چنین شخصی به نویسنده‌ای از عهد جدید تبدیل می‌شود که بیش از هر کس دیگری بر محبت خدا و محبت قوم خدا تأکید می‌کند.

برخی منتقدین ایراد می‌گیرند که ماهیت مبتنی بر رحمت و محبت انجیل چهارم، با خصوصیات فردی یوحنا که در سایر اناجیل به آنها اشاره شده، منافات دارد. اما دو خط فکری وجود دارند که نشان می‌دهند چنین منافاتی وجود ندارد. اول اینکه، داستان یوحنا داستان کسی است که در اثر محبت خداوند تغییر کرده است. یوحنا تحت تأثیر محبت عیسی به رسول محبت تبدیل شد. دوم اینکه، وقتی خدا یوحنا را تغییر داد، او را به انسان بی‌احساسی تبدیل نکرد بلکه او را به واعظ بسیار پرشور انجیل محبت تبدیل کرد. خدا ذات وجودی یوحنا را تغییر جهت داد و از آن استفاده کرد اما ریشه وجودی او را از میان نبرد.

در روایات اناجیل، یوحنا یکی از اعضای حلقه داخلی شاگردان یعنی همراه پطرس و یعقوب است. فقط این افراد بودند که در وقایع مهمی مثل تغییر هیئت عیسی و دعای او در شب باغ جتسیمانی او را همراهی می‌کردند. در کتاب اعمال رسولان، پطرس و یوحنا رهبران شاگردان بودند و در غلاطیان ۹:۲ پولس، یوحنا را یکی از ستون‌های کلیسای اورشلیم می‌نامد.

در کلیسای اولیه، آیرنیوس و منابع بسیار دیگری، از خدمت طولانی یوحنا در شهر افسس بعد از ترک شهر اورشلیم خبر می‌دهند. همچنین روایت مستدلی بر این مبنای وجود دارد که یوحنا در نهایت به جزیره پطمس تبعید

می‌شود. طبق برخی منابع، بعدها از تبعید آزاد شده و به افسس بر می‌گردد و در همان جا در زمان امپراتوری تراژان و در اواخر قرن اول فوت می‌کند.

حال، با تایید نگاه سنتی دربارهٔ اینکه یوحنا انجیل چهارم را نوشته است و با سرگذشت شخصی یوحنا هم آشنا شدیم، بگذارید موقعیت نوشتاری انجیل یوحنا را بررسی کنیم.

موقعیت

ما به چهار طریق موقعیت نوشتاری انجیل یوحنا را بررسی می‌کنیم. اول، به موقعیت جغرافیایی مخاطب و نویسنده می‌پردازیم. دوم، نگاه دقیق‌تری به هویت مخاطبان اولیه انجیل خواهیم داشت. سوم، تاریخ نگارش انجیل را بررسی خواهیم کرد و چهارم اینکه، درباره هدف انجیل تامل خواهیم کرد. ابتدا اجازه بدهید مکان نگارش انجیل یوحنا را بررسی کنیم.

مکان

به احتمال زیاد یوحنا انجیل خود را در افسس و برای مخاطبان ساکن در خارج از فلسطین و شاید آسیای صغیر نوشته باشد. نمی‌توانیم به طور قطع راجع به این نظر بدهیم ولی دلایلی وجود دارند که چنین استنباطی را تایید می‌کنند. برای مثال، اشارات یوحنا به رسوم یهودیان فلسطین نشان می‌دهد که او این انجیل را برای مخاطبان غیر فلسطینی نوشته است. به نوشتهٔ یوحنا ۹:۴ گوش کنید:

زن سامری بدو گفت: «چگونه تو که یهود هستی از من آب می‌خواهی و حال آنکه زن سامری می‌باشم؟ زیرا که یهود با سامریان معاشرت ندارند.» (یوحنا ۹:۴)

در این آیه، یوحنا دربارهٔ دشمنی بین یهودیان و سامریان می‌نویسد. این دشمنی برای ساکنان فلسطین کاملاً آشنا بود. در نتیجه، تفسیر یوحنا نشان می‌دهد که مخاطبان آن در جای دیگر زندگی می‌کردند. همچنین نوشته‌های کلیسای اولیه هم اشاره می‌کنند که این انجیل نخستین بار برای مردم خارج از فلسطین نوشته شده است. قبلاً اشاره کردیم که یوسیپوس به نقل از ایرنیوس نوشته است که یوحنا این انجیل را در افسس واقع در آسیای صغیر می‌نویسد. تقریباً همهٔ کلیساهای باستانی این نتیجه‌گیری را قبول دارند و به همراه آنها افرادی مثل ایرنیوس، پولیکراتس، کلمنت اسکندریه و ژوستین شهید نیز این مطلب را تایید می‌کنند. علاوه بر این، هیچ منبع باستانی وجود ندارد که نشان دهد یوحنا این انجیل را برای افراد خارج از آسیای صغیر نوشته باشد.

همچنین ارتباط نزدیکی بین انجیل یوحنا و کتاب مکاشفه وجود دارد. یوحنا نویسنده کتاب مکاشفه است و مخاطبان او قطعاً از آسیای صغیر بودند چون که همه هفت کلیسای که در مکاشفه باب‌های ۲-۳ آمده‌اند در آسیای صغیر قرار داشتند و شباهت چشمگیر انجیل یوحنا و مکاشفه این فرض را که مخاطبان هر دو یکی بودند را تقویت می‌کند. برای مثال، انجیل یوحنا تعالیم بسیاری درباره اختلاف بین نوگروندگان مسیحی و یهودیان اهل کنیسه را بازگو می‌کند. کتاب مکاشفه هم چنین مشکلی را بازگو می‌کند. به گفته‌های خداوند خطاب کلیسای خود در مکاشفه ۲: ۹ و ۳: ۹ گوش کنید:

من از عذاب و فقر تو آگاه هستم ولی با وجود این توانگر هستی! می‌دانم آن کسانی که ادعا می‌کنند یهودی هستند ولی نیستند چطور به تو افترا می‌زنند. آنان جماعت شیطانند!... آنانی را که جماعت شیطان هستند و ادعای یهودیت می‌کنند ولی نیستند و دروغ می‌گویند خواهم آورد و پیش پای تو خواهم افکند و آنان خواهند دانست که تو محبوب من هستی (مکاشفه ۲: ۹؛ ۳: ۹، ترجمه شریف)

از زاویه‌ای دیگر، از اعمال رسولان ۱۹: ۱-۱۷ می‌دانیم که در افسس، پیروان یحیی تعمیددهنده به کار خود حداقل تا آن زمان ادامه می‌دادند. حال اگر یوحنا رسول به مخاطبانی از جمله به پیروان یحیی نوشته باشد، نشان می‌دهد که چرا او در انجیلش بر تبعیت یحیی تعمیددهنده از عیسی تأکید بسیاری دارد. هر چند نمی‌توان با قطعیت گفت ولی به نظر می‌رسد که یوحنا وقتی در حال نوشتن انجیل بوده در افسس اقامت داشته و وضعیت آسیای صغیر بر شکل‌گیری نوشته او تأثیر گذاشته است. حال که دیدیم به احتمال زیاد مکان نگارش انجیل در افسس بوده، به مخاطبان اولیه انجیل یوحنا نیز نگاهی بیندازیم.

مخاطبان

مثل سایر اناجیل، حسی در انجیل یوحنا وجود دارد که نشان می‌دهد این انجیل برای همه کلیساهای همه دوران‌ها نوشته شده است و ارزش بی حد و حصری برای همه قوم خدا قائل است. اما بخش‌هایی از انجیل یوحنا با کلیسای در مکان و زمان مشخصی ارتباط خاصی پیدا می‌کنند. حداقل در بخش‌هایی از این انجیل، یوحنا انگار اعضای یک جامعه یهودی را در ذهن دارد که به عیسی به عنوان مسیح موعود ایمان آورده‌اند ولی هنوز در کنیسه عبادت می‌کنند و یا روابط خاص دیگری با جامعه یهودیان دارند. در واقع، تقریباً تمام بخش اصلی باب‌های ۵ تا ۱۲ به کشمکش شدید بین عیسی و یهودیان می‌پردازد.

یوحنا با کاربرد کلمه «یهودیان» که بیش از ۷۰ بار در انجیلش تکرار شده، این کشمکش را برجسته می‌کند. درحالیکه اناجیل دیگر روی هم ۲۰ بار این کلمه را استفاده کردند. در بیشتر مواقع، یوحنا از این کلمه برای اشاره به رهبران مذهبی مخالف عیسی استفاده می‌کند.

ولی وقتی یوحنا درباره شخصیت‌های مثبت عهد عتیق صحبت می‌کند از کلماتی مثل «اسرائیل» و «اسرائیلی» استفاده می‌کند. مثلاً در یوحنا ۱:۴۷، عیسی درباره نتائیل می‌گوید: «اینک، اسرائیلی حقیقی که در او مکرری نیست.»

یوحنا همچنین از کلمه یونانی مسیح بیش از هر انجیل‌نویس دیگری استفاده کرده است. کلمه «مسیح» هم برای ترجمه کلمه یونانی «کریستس» و هم کلمه عبری «ماشیاخ» به کار رفته که هر دو به معنی «مسح شده» هستند. مسیح منجی مسح شده خدا بود که باید اسرائیل را از گناهان و حاکمان بیگانه آزاد نجات می‌داد. واژه «مسیح» برای مسیحیان یهودی اهمیت ویژه‌ای داشت چون وجه تمایز کنیسه و کلیسای در حال گسترش مسیحیان، باوری بود که بر اساس آن عیسی همان مسیح موعود در عهد عتیق است که قوم خدا مدت زیادی را برای ظهور این منجی انتظار کشیده بودند.

وعده اینکه ذریت زن، شریر یعنی شیطان و ذریتش را شکست خواهد داد خیلی قبل‌تر از اینکه یهودیان کلمه «ماشیاخ» را برای او به کار ببرند در پیدایش ۱۵:۳ آمده بود. بعدها مشخص شد که ذریت زن همان ذریت ابراهیم است و بعد مشخص شد که این ذریت متعلق به یهوداست و این وعده داده شد که شیطان داوری خواهد شد و از نسل ابراهیم جمع قوم‌ها برکت خواهند یافت و اینکه فرمانروایی از زیر پای‌های یهودا دور نخواهد شد. همه این وعده‌ها در وحی بلعام دیده می‌شود و همانطور که از قبل خدا مقدر کرده بود، «ماشیاخ» یا «مسیح» باید می‌آمد و بر شیطان غالب می‌شد و با این کار در نهایت درهای باغ عدن دوباره باز خواهند شد و زمین‌های خشک از جلال یهوه مثل آب دریاها پر خواهند شد.

- دکتر جیمز همیلتن

موضوعات و روش طرح این موضوعات توسط یوحنا نشان می‌دهد که مخاطبین اولیه او مسیحیان یهودی بودند که به خاطر پیروی از عیسی در سختی بودند. اما روح‌القدس، مثل سایر بخش‌های کتاب مقدس، کاری می‌کند که این کتاب برای همه کلیساها و همه دوران‌ها مورد استفاده قرار بگیرد. در اصل، در یوحنا ۱:۴۱ و ۲۵:۴ او کلمه عبری «مسیح» را برای مخاطبان غیر یهودی هم به کار می‌برد. و البته تاریخ ثابت کرده که انجیل یوحنا برای ایمانداران یهودی و غیریهودی ارزش بالایی داشته است.

حال که مکان و مخاطب انجیل یوحنا را بررسی کردیم، نوبت آن است که نگاهی به تاریخ نگارش آن بیندازیم.

تاریخ

در کل، می‌توان ادعا کرد که یوحنا در فاصله زمانی بین سال‌های ۸۵ تا ۹۰ میلادی انجیل خود را نوشته است. عوامل بسیاری وجود دارند که نشان می‌دهند یوحنا نمی‌توانسته قبل از سال ۸۵ میلادی انجیل را نوشته باشد. اول اینکه، یوحنا تنها انجیلی است که در آن پیشگویی ویرانی اورشلیم و معبد که در سال ۷۰ میلادی اتفاق افتاده، نیامده است. شاید دلیلش این باشد که مدت قابل توجهی از این فجایع ویرانگر گذشته بود. دوم اینکه، این انجیل بر دوره‌ای اشاره می‌کند که جدایی بین کلیسا و کنیسه به تلخ‌ترین سطح خود رسیده است. بعد از سقوط اورشلیم یهودیان سختگیرتر می‌شوند و برای مقابله با هر بدعتی در دعاهای روزانه در کنیسه تغییر پیدا کردند و با لعن و نفرین بدعتگزاران در دعاهای آنها قرار گرفت و این شامل حال کسانی می‌شد که ایمان داشتند عیسی همان پسر خداست؛ و اخراج از کنیسه هم جزو رسوم متداول آن روزگار شد. این تنش در بخش‌هایی مثل یوحنا ۹ دیده می‌شود که یوحنا از طرد شدن مرد کوری خبر می‌دهد که عیسی او را شفا داده است. به نوشته یوحنا در این مورد در یوحنا ۹:۲۲ گوش کنید:

یهودیان با خود عهد کرده بودند که هر که اعتراف کند که او مسیح است، از کنیسه بیرونش کنند. (یوحنا ۹:۲۲)

در این متن بیرون شدن از کنیسه به معنای اخراج یا عدم عضویت در کنیسه و محروم شدن از زندگی در جامعه یهودی است.

سوم اینکه به نظر می‌رسد که انجیل یوحنا بعد از سه انجیل دیگر نوشته شده است. این نظریه حداقل به مورخ قرن چهارم یوسیبوس بر می‌گردد. طبق گفته او، انجیل یوحنا به عنوان مکمل دیگر اناجیل به خصوص در مورد خدمت عیسی مسیح قبل از دستگیری یحیای تعمیددهنده است. به آنچه یوسیبوس در کتاب تاریخ کلیسا، جلد ۳، فصل ۲۴، بخش ۱۲ نوشته است گوش کنید:

یوحنا در انجیل خود کارهایی را که مسیح قبل از به زندان افکندن یحیای تعمیددهنده انجام داده را به ثبت می‌رساند ولی سه انجیل نویس دیگر به اتفاقاتی اشاره می‌کنند که بعد از این زمان رخ داده بود.

- یوسیبوس، تاریخ کلیسا

هر کسی که چهار انجیل رو مطالعه می‌کند، به این نتیجه می‌رسد که با سه انجیل بسیار شبیه به هم یعنی انجیل متی، مرقس و لوقا روبروست که داستان‌های مشابه و ساختار و محتوای مشابهی از خدمت عیسی رو روایت می‌کنند. ولی بعد از این اناجیل با انجیل یوحنا روبرو هستیم که به شکل قابل توجهی متفاوت است. به نظر می‌آید که انجیل یوحنا خیلی دیرتر از سایر اناجیل یعنی در اواخر قرن اول میلادی نوشته شده که کلیسا با مشکلات متفاوتی از دنیای بیرون، یهودیان و بی‌دینان روبرو بوده. این چالش‌ها به نوعی بدون شک با خود شخص عیسی در ارتباط بودند به این مفهوم که او که بوده. خدا بودن عیسی مورد انتقاد بسیاری بوده چونکه یوحنا با اقتدار بر این حقیقت تأکید می‌کند. در اناجیل هم‌نوا این مسئله مطرح نیست چونکه در اون زمان چنین چالشی وجود نداشته. تعالیم غلط هم در کلیسا در حال گسترش بود و یوحنا تلاش می‌کند تا موضوعیت این تعالیم را مطرح کند. سومین مسئله مربوط به یهودیان مخالفی می‌شد که آشکارا میان خود و مسیحیان شکاف ایجاد کرده بودند ولی ما چنین شکافی را در اناجیل متی، مرقس و لوقا نمی‌بینیم.

- دکتر مارک استراس

همه این موارد نشان می‌دهند که نتیجه‌گیری سنتی کلیسا می‌تواند درست باشد و این انجیل در سال‌های پایانی زندگی یوحنا حدوداً بعد از سال ۸۵ میلادی نوشته شده است. اگر یوحنا پسر زبیدی نویسنده این انجیل باشد، بنابراین آخرین تاریخ ممکن برای نگارش انجیل را باید از سبک زندگی یوحنا متوجه شد. یوحنا در جوانی حدود سال‌های ۳۰ میلادی پیرو عیسی شد. اگر در آن زمان یوحنا در پایان دوران نوجوانی بوده باشد، می‌توان نتیجه گرفت که در سال ۹۰ میلادی، حدود ۸۰ ساله بوده است. احتمال زنده بودن او بعد از این سن و سال بسیار مورد تردید است.

بر اساس شواهدی که از نسخ خطی به دست آمده سال‌های ۸۵ یا ۹۰ میلادی محتمل‌ترین زمان برای نگارش این انجیل است. قدیمی‌ترین نسخه‌ای که شامل بخشی از عهد جدید می‌شود، پاپیروس ۵۲ است که به آن پاپیروس «رایلندز» هم می‌گویند. این قطعه شامل بخشی از یوحنا باب ۱۸ می‌شود.

قدمت پاپیروس ۵۲ به سال‌های بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلادی بر می‌گردد. با فرض اینکه، این قطعه کوچک متعلق به بخشی از انجیل کامل باشد، نشان می‌دهد که این انجیل در تاریخی نوشته شده که می‌تواند تا اوایل قرن دوم میلادی به شکل گسترده‌ای توزیع شده باشد. نسخ دیگری از انجیل نیز در اواخر قرن دوم کشف شده است. همه این نسخه‌ها، مصری بودند و و از لحاظ نگارشی با هم فرق دارند. بعید است که نقل و انتقالات جغرافیایی از آسیای صغیر به مصر و همچنین تغییر در نوع نگارش در کمتر از ۴۰ تا ۵۰ سال اتفاق افتاده باشد. بنابراین به نظر منطقی است که تاریخ نگارش انجیل یوحنا را در سال‌های ۹۰ تا ۱۰۰ میلادی متصور شد.

حال که مکان، مخاطب و تاریخ انجیل یوحنا را بررسی کردیم، به هدف یوحنا از نوشتن انجیلش می‌پردازیم.

هدف

همه کتاب‌های پرچم عهد جدید اهداف پیچیده‌ای دارند و انجیل یوحنا نیز از این قاعده مستثنی نیست. همانطور که عیسی مضامین مختلفی را در خدمت خود به کار می‌گیرد یوحنا نیز در ثبت خدمت عیسی موضوعات زیادی را مطرح می‌کند. اما هنوز هم می‌توان همه این اهداف را به شکلی پیوسته و واحد توصیف کرد. در واقع، خود یوحنا این اهداف را برای ما خلاصه می‌کند. او به طور خاص سعی می‌کند تا این حقیقت که عیسی هم مسیح موعود و هم پسر خداست را تأیید کند. به آنچه او در یوحنا ۲۰:۳۰-۳۱ می‌نویسد گوش کنید:

و عیسی معجزات دیگر بسیار نزد شاگردان نمود که در این کتاب نوشته نشد. لیکن این قدر نوشته شد تا ایمان آورید که عیسی، مسیح و پسر خدا است و تا ایمان آورده، به اسم او حیات یابید. (یوحنا ۲۰:۳۰-۳۱)

اگر بخواهیم ساده بگوییم، یوحنا از مخاطبان خود می‌خواهد تا ایمان بیاورند که عیسی مسیح، پسر خداست و به این ترتیب از برکات ایمان به مژده انجیل بهره‌مند شوند.

یوحنا در بیان هدفش از نوشتن انجیل کاملاً صریح است. در یوحنا ۲۰:۳۰ می‌گه که همه این چیزها با این هدف نوشته شدند که ایمان بیاوریم عیسی همان مسیح و پسر خداست و اینکه ایمان به او حیات ابدی را با همراه دارد. با این حساب، این دو وجه دارد، بهتره بگیم دو هدف دنبال می‌کنه. اولین و مهمترین هدفش اینه که انجیل یوحنا در ذات خودش بشارتی است. کاملاً مشخصه که یوحنا انجیل رو نوشته تا خواندگانش رو زمانی، هر وقت که در اراده خدا باشه، به سمت ایمان آوردن هدایت کنه. دومین جنبه انجیل، وجه دفاعیاتی اونه. او می‌خواست که خواندگانش رو متقاعد کنه که عیسی در حقیقت خدا-انسان تجسم یافته است.

- کشیش لری کاکرل

یوحنا می‌گه که من این انجیل رو می‌نویسم تا شما هویت عیسی را درک کنید. عیسی پسر خداست. و بعد او پسر خدا بودن را توضیح می‌ده به این شکل که او کلمه نزد خدا بوده و بعد جسم پوشیده که عیسی همان مسیح موعود بود و این مسایل تنها اطلاعات انتزاعی نیستند که باید اونها رو قبول کرد بلکه یوحنا می‌گه که باید به اونها ایمان آورد تا از زندگی که خدای پدر به طور مجانی از طریق عیسی به ما بخشیده بهره‌مند بشیم.

- دکتر رابرت پلامر

تأکید اصلی یوحنا در انجیل تقویت این باور است که عیسی، همان مسیح و پسر خداست. این دو مورد از جمله مسایلی بودند که مسیحیان یهودی تبار بیشترین اختلاف را با کنیسه داشتند. آنها باید عیسی را به عنوان مسیح و پسر خدا قبول می‌کردند و باید بر این باورشان محکم می‌ایستادند تا از برکت نجات بهره‌مند شوند.

البته مفاهیمی وجود دارند که نشان می‌دهند این انجیل برای همه ایمانداران نوشته شده است. برای مثال، در یوحنا ۱۳ تا ۱۷ نویسنده سعی می‌کند تا ایمان همه ایمانداران را تقویت کند و با تأکید می‌گوید که هرچند عیسی دیگر بر روی زمین راه نمی‌رود ولی به واسطه روح‌القدس در زندگی همه ایمانداران حضور دارد. تعالیم عیسی برای غنای زندگی همه ایمانداران است.

محققین کتاب مقدس می‌گویند که انجیل یوحنا «حوضی است که بچه‌ها به سختی در آن دست و پا می‌زنند ولی فیل‌ها در آن شنا می‌کنند.» پیام اصلی این انجیل روشن و ساده است: عیسی، همان مسیح و پسر خداست. اما جزئیات این پیام اصلی، سال‌ها مفسرین این انجیل را دچار زحمت کرده است.

اولین مسیحیانی که این انجیل را خواندند عمیقاً از آن دلگرم شدند. این انجیل به آنها یاد داد که با وجود همه مخالفت‌ها در ایمان مسیحی خود استوار بمانند و از آنها می‌خواست تا در محبت و احترام به مسیح که تنها متشا اصلی حیات پر از نعمت است رشد کنند. انجیل یوحنا همین دلگرمی‌ها و چالش‌ها را برای مسیحیان امروز نیز فراهم می‌کند.

حال که پیشینه انجیل یوحنا را با هم مورد مطالعه قرار دادیم، نوبت آن است که به ساختار و محتوای آن بپردازیم.

ساختار و محتوا

محققین ساختار انجیل یوحنا را به اشکال مختلفی تصویف می‌کنند. در این درس ما روشی را انتخاب کردیم که در آن بین مقدمه یوحنا از زندگی و خدمت عیسی و محتوای کتاب یوحنا ارتباط برقرار کرده است. به بخشی از کلام در یوحنا ۱:۱۰-۱۴ گوش کنید:

[عیسی] در جهان بود و جهان به واسطه او آفریده شد و جهان او را شناخت. به نزد خاصان خود آمد و خاصان او را نپذیرفتند؛ و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند... و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پُر از فیض و راستی (یوحنا ۱:۱۰-۱۴).

این متن بر چهار نظر اصلی تاکید می‌کند: عیسی به جهان آمد؛ به نزد خاصان خود آمد ولی از طرف آنها رد شد یعنی قوم اسرائیل؛ کسانی که او را پذیرفتند و به او ایمان آوردند فرزندان خدا شدند؛ و سپس همین ایمانداران شاهدان عیسی شدند.

بر اساس این چهار نظر اصلی، انجیل یوحنا را به این شکل فهرست‌وار می‌آوریم:

- اول، یوحنا انجیل خود را با مقدمه ای کوتاه از تجسم عیسی در یوحنا ۱:۱-۱۸ آغاز می‌کند.
- دوم، یوحنا دربارهٔ خدمت عمومی عیسی در ۱۹:۱-۵۰:۱۲ می‌نویسد که او به میان مخلوقات خویش آمد ولی نسل بشری که برای نجات آنها آمده بود، او را رد کردند.
- سوم، یوحنا خدمت خاص عیسی به کسانی که او را پذیرفتند و به او ایمان آوردند را در یوحنا ۱۳ : ۱-۲۰:۳۱ می‌آورد.
- و چهارم، یوحنا با نتیجه‌گیری در ۲۱:۱-۲۵ به نقش رسولان و دیگر شاگردان در شهادت دادن به جلال عیسی می‌پردازد.

ما هر کدام از این بخش‌های انجیل به روایت یوحنا را بررسی خواهیم کرد. پیش از همه کار را با مقدمه شروع می‌کنیم.

مقدمه

یوحنا در ۱:۱-۱۸ با صلابت و به زیبایی خلاصه‌ای از انجیل را ارائه می‌کند. او تعلیم می‌دهد که عیسی کلمهٔ خداست که همه چیز را آفریده و منشأ حیات است. اما با وجود تمام اینها او به شکل انسانی که از گوشت و خون است پا بر عرصهٔ جهان گذاشت. و در شکل خدای تجسم یافته، جلال پدر را به جهانی که خود آفریده بود، نشان داد.

یوحنا این موضوع را در ۴:۱-۵ و با گفتن اینکه عیسی نوری بود که به جهان تاریک وارد شد، به تصویر می‌کشد. او به خاطر اینکه مظهر کامل فیض خداست، توانست بر این تاریکی غالب شود. در حالیکه کتاب مقدس در بعضی اوقات می‌گوید که جلال عیسی در طی دوران تجسم یافتگی او پنهان مانده، یوحنا تأکید می‌کند که جسم پوشیدن عیسی در حقیقت جلال او را از طرق مهمی آشکار می‌کند و نه تنها جلال عیسی مخفی نمی‌ماند بلکه تجسم او به شکل انسان خود آشکار کنندهٔ جلال اوست. یوحنا در ۱:۱۴ می‌نویسد:

و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پر از فیض و راستی؛ و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر (یوحنا ۱:۱۴).

خدمت عمومی عیسی مسیح

یوحنا پس از مقدمه، به نوشتن درباره خدمت عمومی مسیح در یوحنا ۱:۱۹-۱۲:۵۰ می‌پردازد. در این بخش، یوحنا بر این حقیقت تأکید می‌کند که عیسی به میان قوم خویش یعنی اسرائیل آمد ولی قوم اسرائیل عیسی در مقام مسیح و خداوند را رد کردند. همانطور که در یوحنا ۱:۱۱ دیدیم، یوحنا می‌گوید:

[عیسی] به نزد خاصان خود آمد و خاصانش او را نپذیرفتند. (یوحنا ۱:۱۱)

هرچند استثنائی به این جمله وارد است ولی در کل، پاسخ قوم اسرائیل به خدمت عمومی عیسی مسیح در انجیل یوحنا چنین بوده است.

خدمت عمومی مسیح را در هفت بخش مورد بازنگری قرار خواهیم داد که اول با آماده شدن او برای آغاز خدمت، کار را شروع می‌کنیم و بعد با اتفاقات پیرامون شش عید مختلف یهودیان درس را ادامه می‌دهیم. بیابید اول نگاهی به آماده شدن مسیح برای خدمت بیندازیم که در یوحنا ۱:۱۹-۲:۱۲ آمده است.

آمادگی برای خدمت

آمادگی عیسی برای خدمت با خدمت یحیای تعمیددهنده در یوحنا ۱:۱۹-۳۶ آغاز می‌شود. در این متن یوحنا تأکید می‌کند که یحیای تعمیددهنده شاهد مهمی بر این واقعیت بود که عیسی پسر خداست و اینکه عیسی، بره قربانی خدا برای برداشتن گناهان جهان خواهد بود.

بعد از این قسمت، یوحنا درباره دعوت عیسی از نخستین شاگردانش در یوحنا ۱:۳۷-۵۱ می‌نویسد. در کنار صحبت از یحیای تعمیددهنده، تأکید این بخش بر هویت عیسی است. شاگردان او را در آیه ۳۹ «رابی» یعنی «معلم» صدا می‌زنند. در آیه ۴۲ او را «کرسس» به معنی «مسیح» صدا می‌زنند و در آیه ۴۵ او را کسی می‌خوانند که «موسی در تورات» راجع او نوشته است و اشاره به پیشگویی موسی درباره مسیح دارد. در آیه ۴۹ او را همزمان «پسر خدا» و «پادشاه اسرائیل» می‌خوانند و سرانجام در آیه ۵۱ عیسی خود را «پسر انسان» می‌خواند که فرستاده شده تا دسترسی به حضور خدا را فراهم کند.

آخرین بخش از آمادگی عیسی برای خدمت اولین معجزه اوست که در یوحنا ۱:۲-۱۲ به ثبت رسیده است. این همان واقعه‌ای است که در آن عیسی آب را به شراب تبدیل می‌کند. اما تاکید بر خود معجزه نیست. گوش کنید یوحنا در ۱۱:۲ چه می‌گوید:

و این ابتدای معجزاتی است که از عیسی در قانای جلیل صادر گشت و جلال خود را ظاهر کرد و شاگردانش به او ایمان آوردند. (یوحنا ۱۱:۲)

یکی از اصلی‌ترین نکاتی که یوحنا مطرح می‌کند این است که این معجزه آشکارکننده جلال عیسی بود که دلیلی برای ایمان آوردن شاگردانش شد.

کلمه «آیات» در کتاب خروج برای اشاره به معجزات موسی به کار رفته، به ویژه در مورد طاعون. هرچند یوحنا اغلب موسی رو با عیسی مقایسه کرده ولی به نظر من تنها هدفش از کاربرد کلمه «آیات» بیان چنین قیاسی نبوده بلکه سعی کرده مثل نویسنده کتاب خروج نشون بده که عیسی می‌خواست با چنین معجزاتی به مردم چیزی نشون بده، می‌تونید بگید مثلاً اطلاعاتی بده تا در قبال اون از مردم عکس‌العملی یا جوابی بخواد که مورد انتظارش بوده. مخصوصاً به این جهت که نشان بده خدا داره چیزی به مردم می‌گه و از اونها انتظار داره پاسخ بدن.

- دکتر دیوید ردلینگز

یوحنا تنها کسی است که در انجیل به طور منظم از کلمه «سیمون» به معنای «نشانه‌ها» برای اشاره به معجزات عیسی استفاده کرد. تاکید معجزات بر خودشان نبود بلکه برای نشان دادن چیزی فراتر از آن، یعنی نشانه‌ای از عیسی بود. به خصوص هدف این معجزات آشکار کردن هویت عیسی در مقام «مسیح» و «پسر خدا» بود که با هدف این کتاب هماهنگی داشت و یوحنا این را به صورت خلاصه در ۲۰:۳۰-۳۱ آورده است.

خیلی‌ها از معجزات عیسی بهره بردند ولی فقط عده کمی که چشمانشون باز شده بود، تونستند از این معجزات به هویت عیسی یعنی مسیح بودن او پی ببرند. بنابراین از دید من، به همین دلیل که یوحنا از کلمه‌ای استفاده می‌کنه تا نه فقط در مورد معجزات، که فقط صرفاً جنبه خارق‌العاده بودن اونها مطرح باشه، حرف بزنه بلکه تا هویت عیسی یعنی مسیح بودن او رو هم نشان بده. یوحنا به همین خاطر می‌گه که نوشتن این مطالب به این خاطره که شما ایمان

بیارید که عیسی همان مسیح موعوده و با ایمان خودتون در نام عیسی حیات زندگی رو پیدا کنید و استفاده از «آیات» یا «نشانه‌ها» این بخش از عمکرد معجزات را بازی می‌کردن.

- دکتر سایمون ویبرت

آیه یا نشانه چیزی است که عیسی از اون برای نشان دادن هویت حقیقی خودش استفاده می‌کنه. پس اگر دید شما به این وقایع خارق‌العاده، دید ابزاری باشه، دیگه فرقی به حال شما نمی‌کنه که این معجزه تبدیل آب به شراب، خوراک دادن جمعیت با نان باشه یا شفای مرد نابینا. دید یوحنا به این معجزات صرفاً نگاه به وقایع خارق‌العاده نبوده بلکه اگر به اونها از دید خدا نگاه کنید، هویت حقیقی عیسی براتون آشکار می‌شه که او نان حیاته. اوست که به ما بینایی میده و اوست که شراب تازه را در حیات نو برای ما میاره و ما این رو جشن خواهیم گرفت.

- دکتر رابرت پلامر

اولین فصیح

دومین بخش راجع به خدمت عمومی عیسی است که از عید فصیحی که در اورشلیم جشن گرفته شده بود شروع می‌شود. به این عید اولین فصیح می‌گوییم چون نخستین فصیحی است در انجیل یوحنا به آن اشاره شده است. این بخش شامل یوحنا ۲:۱۳-۴:۵۴ می‌شود.

این بخش از یوحنا ۲:۱۳-۲۵، با روایت یوحنا از پاک‌سازی هیكل از کسبه توسط عیسی شروع می‌شود و بار دیگر تأکید بر هویت عیسی است. به سوال یهودیان از عیسی در یوحنا ۲:۱۸ گوش کنید:

به ما چه علامت می‌نمایی که این کارها را می‌کنی؟ (یوحنا ۲:۱۸)

عیسی با پیشگویی مرگ و قیامش به آنها جواب می‌دهد که این خود می‌تواند بزرگترین نشانه در طول خدمت او باشد که او پسر خداست.

یوحنا در ادامهٔ صحبت‌های خود در ۲:۲۱-۲۵، اشاره می‌کند که عیسی آیات و معجزات دیگری نیز به انجام رساند که باعث شد عدهٔ زیادی ولو ظاهراً به او ایمان بیاورند.

سپس یوحنا در ۳:۱-۲۱ دربارهٔ گفتگوی جالب عیسی با نیکودیموس که یکی از روسای یهود گزارش می‌دهد. این بار نیز هویت عیسی هم به عنوان «پسر انسان» و هم به عنوان «پسر خدا» و نقش او به عنوان نجات‌دهنده مورد تأکید اوست.

در یوحنا ۳:۲۲-۳۶ روایت دیگری درباره یحیای تعمیده‌دهنده می‌خوانیم. در این قسمت یوحنا تأکید می‌کند که عیسی همان مسیح، پسر خداست. او گفت که عیسی آمده تا دربارهٔ خدا و نجات شهادت بدهد اما تقریباً هیچکس او را به ایمان نمی‌پذیرد.

یوحنا در ۱:۴-۴۲ دربارهٔ ملاقات عیسی با زن سامری بر سر چاهی در سامره گزارش می‌دهد. یک بار دیگر تأکید او بر هویت عیسی به عنوان ماشیح یا مسیح است که می‌آید و همهٔ این امور را به قومش توضیح خواهد داد. عیسی با تأکید بر اینکه نجات از یهود و به خصوص از طریق او میسر می‌شود، افکار زن را به چالش کشید و از او دعوت کرد تا حیات و واقعیت خدا را که همیشه خواست آن زن بود در او پیدا کند و سامریان زیادی با پاسخ مثبت به این تعلیم به عیسی ایمان آوردند.

بالاخره، یوحنا در ۴:۴۳-۵۴ درباره دومین نشانهٔ معجزه‌آسای عیسی حرف می‌زند. این معجزه هم، مثل معجزهٔ اول، در قانا اتفاق افتاد. اما این بار عیسی کودکی را حتی بدون لمس کردن یا دیدن شفا می‌دهد. عجیب نیست که تأکید در این داستان برای صحنه گذاشتن بر اقتدار عیسی انجام می‌گیرد و باعث ایمان آوردن شاهدان این واقعه شد.

یک مضمون مهم که در این بخش یعنی اولین فصیح دیده می‌شود، ایمان است. یوحنا در ۲:۱۱ گزارش می‌کند که پس از اولین نشانه شاگردان به عیسی ایمان آوردند. در ۴:۴۲ سامریان به خاطر تعلیم عیسی ایمان آوردند. و در ۴:۵۳ خانواده پسر شفایافته ایمان می‌آورند. در یوحنا ۷:۵۰ و ۱۹:۳۹ دلایلی می‌یابیم که نیکودیموس هم به عیسی ایمان می‌آورد. معجزات عیسی و تعلیم عمیق او شهادت قدرتمندی بر هویت و نجات او بود که به همین خاطر بسیاری به او ایمان آوردند.

قطعا یکی از اصلی‌ترین مضامین انجیل یوحنا «ایمان نجات‌بخش» هست، ایمان آوردن همیشه مورد تأکید انجیل یوحناست و تأکید اون در دو ناحیه قرار می‌گیره: یکی اینکه ایمان آوردن و فرزند خدا شدن کاری است که خود خدا انجام می‌ده و در بخش بعدی عملی است که توسط هر فردی باید ایمان نجات‌بخش حتماً باید به عنوان یک هدیهٔ الهی تلقی بشه یعنی این فیض خدا در زندگی ماست که باعث می‌شه ما ایمان می‌آریم. اما با این وجود، بستگی به کاری داره که ما انجام می‌دیم پس باید جنبه‌ای شناختی یا معرفتی داره. باید این حقیقت درک بشه که عیسی مسیح به خاطر گناهان ما، بر صلیب مرگ را به جان خرید. همینطور باید نوعی حس پذیرش و تایید این حقیقت هم وجود داشته باشه. اما در مجموع، نجات خیلی فراتر از مقولهٔ درک و پذیرشه. در واقع، نوعی حس اعتماد و این حیاتی‌ترین جنبهٔ ایمان تلقی می‌شه. یعنی فرد با دست خالی پذیرای همهٔ اون کاری میشه که خدا در فرزندش مسیح انجام داده.

- دکتر جف لومن

متأسفانه در دنیای امروز کلمه «ایمان» سرسری و بدون توجه به مفهوم اصلی اون به کار می‌ره. عده‌ای هستند که طوری درباره ایمان صحبت می‌کنند که انگار به خود ایمان، ایمان دارن. اما مسیحیت به ایمان، اینطور نگاه نمی‌کنه. ایمان‌های مختلفی وجود داره. من الآن روی صندلی نشستم و اعتماد کافی دارم که این صندلی منو نگه می‌داره یعنی به نوعی من به این صندلی ایمان دارم. با این حال، ایمان ندارم که این صندلی کاری جز نگه داشتن من انجام می‌ده. در واقع، کار یا هدف دیگه‌ای نداره. وقتی راجع به «ایمان نجات‌بخش» صحبت می‌کنیم، مقصودمان ایمان در مسیحیه. این یعنی اعتماد کردن و اتکا به این باور که عیسی هر کاری که لازم بوده، برای بخشش گناهان ما انجام داده. «ایمان نجات‌بخش» ایمان به مسیحیه؛ ایمانی که می‌دونه مسیح بهای گناهان ما رو پرداخت کرده؛ ایمانی که می‌دونه مسیح نجات ما رو خریده؛ ایمانی که می‌دونه مسیح کفاره گناهان ما رو به طور کامل پرداخت کرده؛ ایمانی که از طریق اون می‌دونیم گناهان ما کاملاً بخشیده شدن. ایمان نجات‌بخش یعنی اطمینان خاطر از ایمان و اعتماد در مسیح یعنی اینکه او همه این کارها رو به خاطر ما انجام داده، و اینکه هیچ کار دیگری برای انجام دادن باقی نمونه و اینکه او همه اون کسانی را که به عیسی ایمان میارن تا ابد حفظ خواهد کرد. مفهوم بنیادی «ایمان نجات‌بخش» اینه که در این ایمان، به مسیح اعتماد می‌کنیم. چیز دیگه‌ای نداریم؛ خواسته دیگه‌ای نداریم و می‌دونیم که مسیح برای نجات ما کفایت می‌کنه.

- دکتر آلبرت موهلر

متأسفانه خیلی‌ها به عیسی ایمان نیاوردند. عیسی در ۱۲:۲-۲۰ کسانی که هیکل را ناپاک کرده بودند بیرون می‌کند. عیسی به بسیاری از افراد اعتماد نکرد و به آنها چیزی نسپرد یا تعهدی نداد چون می‌دانست ایمان آنها واقعی نیست. در ۱۸:۳-۲۱ می‌خوانیم که داوری در پیش روی کسانی است که به او ایمان نمی‌آورند.

عید بی‌نام

سومین بخش از خدمت عمومی عیسی مربوط به عید بی‌نامی می‌شود که در یوحنا ۵:۱-۴۷ آمده است. در آیات ۱-۱۵، عیسی مردی را شفا می‌دهد که ۳۸ سال زمین‌گیر شده بود. ولی چون که روز سبت بود یهودیان از عیسی به خاطر تخطی از قانون شریعت یعنی کار نکردن در روز سبت خرده می‌گیرند. یوحنا در ۵:۱۶-۴۷ پاسخ عیسی را اینطور به ثبت می‌رساند عیسی مدعی می‌شود که بخشاینده حیات ابدی به همه کسانی است که به او ایمان می‌آورند.

دومین فصیح

چهارمین بخش از خدمت عمومی عیسی، در یوحنا ۶:۱-۷۱ زمانی است که او دومین عید فصیح را جشن می‌گیرد.

عید فصیح عیدی بود که یهودیان خروج خود را از مصر جشن می‌گرفتند. پس جای تعجب ندارد که این بخش اشارات زیادی به کتاب خروج داشته باشد. در یوحنا ۶:۱-۱۵ عیسی به طور معجزه‌آسایی پنج هزار نفر را با پنج قرص نان و دو ماهی غذا می‌دهد. این کار او یادآور زمانی بود که خداوند اسرائیل را بعد از رهایی از اسارت در مصر با منّا غذا می‌دهد.

در یوحنا ۶:۱۶-۲۴ عیسی روی آب راه می‌رود تا نشان دهد که قدرت او بر آب‌ها بیش از موسی است که دریای سرخ را شکافت. عیسی بعد از عبور از دریا خود را «نان حقیقی از آسمان» می‌خواند که برتر از منّایی است که خدا در ایام خروج به قوم داد. عیسی در جایگاه نان حقیقی عید فصیح را با فراهم کردن حیات حقیقی برای همه ایمانداران به کمال رساند.

عید خیمه‌ها

پنجمین بخش از خدمت عمومی عیسی در یوحنا ۷:۱ - ۲۱:۱۰ زمانی است که او در عید خیمه‌ها شرکت می‌کند.

یوحنا در ۷:۱-۵۲ نحوه برگزاری عید خیمه‌ها از سوی عیسی و به کمال رساندن آن را به ثبت می‌رساند. در یوحنا ۷:۱-۵۲ عیسی حق مطلب را در مورد عید خیمه‌ها ادا می‌کند. عید خیمه‌ها یادبود جشن رهایی اسرائیل از مصر و فراهم شدن آب برای قوم در بیابان بود. این عید جشن باران مستمر خدا برای محصول هم بود. همچنین به امید روز نجات نهایی خدا هم این عید را برگزار می‌کردند. در این عید، کاهن آب را اطراف قربانگاه هیکل می‌ریخت تا فیض مهیاگر خدا را به تصویر بکشد. عیسی با استفاده از نماد آب، با صراحت مدعی شد که تنها اوست که می‌تواند «آب حیات» را ببخشد.

در یوحنا ۸:۱۲-۵۹ عیسی درباره فرزند حقیقی سخن گفت و خودش را پسر خدا می‌خواند. او خودش را پسر خدا خواند. حتی این را انکار کرد که یهودیان بی‌ایمان فرزندان مشروع ابراهیم هستند.

در یوحنا ۹:۱-۴۲ عیسی مردی را شفا می‌دهد که از زمان تولد نابینا بود. در مقابل، فریسیان شکاک نیز با دقت کارهای عیسی را دنبال می‌کردند. بی‌ایمانی آنها باعث شد تا عیسی اعلام کند نابینایان واقعی فریسیان هستند هرچند که آنها ادعا می‌کردند که می‌بینند.

و عیسی در یوحنا ۱۰:۱-۲۱ خود را شبان نیکو معرفی کرد. برخلاف فریسیان عیسی شبان نیکو بود چرا که او حاضر بود جانش را در راه گوسفندان بدهد.

عید تجدید

ششمین بخش از خدمت عمومی عیسی شامل وقایعی است که در برپایی عید تجدید در یوحنا ۱۰:۲۲-۵۷:۱۱ اتفاق می‌افتند. یوحنا ۱۰:۲۲-۴۰ گزارش می‌دهد که عیسی عید تجدید را نگاه داشت و آن را به کمال رساند. یوحنا ۱۰:۲۲-۴۰ به ثبت رسانده که عیسی عید تجدید را نگاه داشت. اساس این عید در عهد عتیق بنا نشده است. این عید از سال ۱۶۵ قبل از میلاد آغاز شد که خاندان کاهنان مکابیان شورش موفق علیه آنتیوخوس اپیفانوس پادشاه یونان داشتند. آنتیوخوس لقب اپیفانس را برای خود برگزیده بود چون اعتقاد داشت که خودش تجلی خداست. او بسیاری را در اورشلیم قتل عام کرد؛ هیکل را بی‌حرمت کرد و دستور داد تا یهودیان، زئوس را بپرستند. بنابراین عید تجدید پاک‌سازی هیکل و تقدیس دوباره آن را که توسط مکابیان احیا شده بود جشن می‌گرفت. امروزه این عید با عنوان یهودی خود یعنی خنوکا که به معنی «تجدید» است شناخته می‌شود.

این متن به طور ضمنی عیسی را در مقابل آنتیوخوس قرار می‌دهد. از یک طرف آنتیوخوس خود را از خدا می‌داند در حالی که قوم خدا را قتل عام کرده و هیکل او را بی‌حرمت کرده است. از طرف دیگر، عیسی واقعا پسر خداست که کارهای خدا را به انجام می‌رساند از جمله اینکه به قوم او حیات جاودانی می‌بخشد. عیسی در یوحنا ۱۰:۳۶ اعلام می‌کند که او «تقدیس» شده - یا در ترجمه دیگر «وقف» شده - و به جهان فرستاده شده است. از همین زبان و کلمات در تقدیس هیکل در عید تجدید دوباره استفاده می‌شود. البته عیسی قبلا در ۱۹:۲-۲۱ قیام خود را با بازسازی هیکل مقایسه کرده بود.

این مضامین در روایت زنده کردن ایلعازر در یوحنا ۱۱:۵۷-۱۱ که نشانگر قدرت عیسی بر مرگ است دیده می‌شوند. همچنین قیام ایلعازر از مردگان تصویری پیش‌بینی از قیام خود عیسی در پایان این انجیل است که همه امیدهای عید تجدید در نهایت به تحقق می‌رسند.

سومین فصیح

هفتمین بخش از خدمت عمومی عیسی بر آمادگی برای سومین عید فصیح در یوحنا ۱۲:۱-۵۰ تمرکز دارد. آماده شدن عیسی برای سومین عید فصیح زمینه را برای خدمت او به شاگردانش در باب‌های ۱۳ تا ۱۷ یوحنا و همچنین قربانی شدن او به عنوان بره فصیح در باب ۱۹ مهیا می‌کند. آماده شدن عیسی با تدهین او برای تدفین در ۱۲:۱-۱۱ آغاز می‌شود. آیات ۱۲ تا ۱۹ ورود پیروزمندان عیسی به اورشلیم را ثبت کرده است. در یوحنا ۱۲:۲۰-۵۰ عیسی به همه اعلام می‌کند که وقت آن فرا رسیده تا با مرگ و قیامش به جلال برسد. عیسی از کسانی که سخنانش را شنیدند خواست تا به او ایمان بیاورند. اما با وجود معجزاتی که در حضور آنان انجام داد، بسیاری از یهودیان ایمان آوردند ولی عده‌ای ایمان نیاوردند.

بخش اصلی بعدی انجیل یوحنا به خدمت خاص عیسی به کسانی که به او ایمان آوردند، اختصاص پیدا می‌کند که در این بخش در یوحنا ۱:۱۳ تا ۳۰:۳۱ دیده می‌شود.

خدمت خاص عیسی

این بخش از انجیل شامل روایت یوحنا از شام آخر عیسی با شاگردان، دستگیری، مصلوب شدن و قیام او می‌شود. این بخش داستان نشان دادن جلال عیسی به قوم خاص اوست. یوحنا تعلیم داد که عیسی چگونه با صمیمیت به کسانی که به او ایمان آوردند، خدمت کرد و داوطلبانه جان خود را برای آنها فدا کرد. در طی این وقایع، عیسی جلال خدا را به گونه‌ای که قبلاً دیده نشده بود آشکار کرد. این بخش از انجیل یوحنا تفکر مورد اشاره یوحنا در ۱:۱۱-۱۲ در کلمات زیر آورده است:

[عیسی] به نزد خاصان خود آمد و خاصان او را پذیرفتند؛ و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد (یوحنا ۱:۱۱-۱۲)

در ۱۲ باب اول انجیل یوحنا عیسی به جهان خدمت کرد ولی حتی قومش او را نپذیرفتند. بعد، از شروع باب ۱۳ عیسی بر کسانی که او را پذیرفتند متمرکز می‌شود یعنی شاگردانش! ما به این بخش از انجیل یوحنا را در قسمت نگاه خواهیم انداخت. ابتدا وقایع شام آخر را بررسی خواهیم کرد. دوم اینکه، به پر جلال‌ترین ساعت عیسی یعنی مرگ و قیام او خواهیم پرداخت. اجازه بدهید کار را با وقایع مربوط به شام آخر شروع کنیم.

شام آخر

خدمت عیسی به شاگردانش در شام آخر در چهار قسمت مجزا روایت شده است. در قسمت اول، عیسی با شستن پاهای شاگردان در یوحنا ۱:۱۳-۳۰ به آنها خدمت کرد.

خدمت. عیسی خدمت زمینی خودش را با نماد شستن فروتنانه پاهای شاگردان نشان داد. این واقعه هم تجسم او و هم قربانی شدن او را بر روی صلیب به تصویر کشید. خالق جهان در مقابل مخلوق خود زانو زد و پاهای خسته و کثیف آنها را شست. اوج این خدمت زمانی بود که روز بعد عیسی جان‌های ناپاک و خسته آنها را با خون خود بر روی صلیب می‌شوید. عیسی بعد از شستن پاهای آنها اعلام کرد که یکی از شاگردان به او خیانت خواهد کرد. بعد از آن وقتی شیطان وارد یهوودا شد، او افاق را ترک کرد تا اینکه خیانت خود را به اتمام برساند.

عیسی پس از شستن پایهای شاگردان در ۳۱:۱۳-۳۱:۱۴ به آنها تسلی داد.

تسلی. بعد از رفتن یهودا، عیسی آنچه را که به «سخنان وداع» معروف است انجام داد و طی آن شاگردان وفادار خود را با این حقیقت که به زودی از میان آنها خواهد رفت آماده کرد.

با وجود اینکه بدون شک مخاطب این سخنان رسولان بودند ولی دلیلی وجود دارد که این گفتار برای خدمت نسل‌های بعدی شاگردان نوشته شده. به عبارت دیگر، این مطلب می‌تونه برای کسی باشه که می‌خواد مثل یک رسول و شاگرد زندگی کنه، کسی که می‌خواد یاد بگیره و درک کنه که به این دنیا فرستاده شده. اگر واقعا می‌دونید که چرا به خدمت خوانده شدید، صحبت‌های بالاخانه حرف‌های زیادی برای شما داره. به نظر من در این متن نکات عملی خاصی برای رهبران وجود داره. از دید من، مطالعه این باب‌ها برای کسانی که در بدن مسیح در جایگاه رهبری خدمت می‌کنند، می‌تونه خیلی مفید باشه. اما به نظر من، همه مسیحیان به نوعی با یوحنا باب ۱۷ در ارتباط هستن چونکه عیسی دعای خودش رو تقسیم‌بندی می‌کنه. او برای رسولان دعا می‌کند و بعد میگه: «نه برای اینها فقط سوال می‌کنم، بلکه برای آنها نیز که به وسیله کلام ایشان به من ایمان خواهند آورد.» بنابراین مخاطب تمام این بخش یعنی یوحنا ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ رسولان و هم کسانی هستند که بعد از آن دوازده نفر خواهند اومد. بنابراین این بخش برای همه ایماندارانه.

- دکتر استیو هارپر

عیسی «سخنان وداع» خود را با گفتن اینکه زمان آن رسیده تا جلال پیدا کند آغاز می‌کند یعنی وقت آن فرا رسیده تا بمیرد، از میان مردگان قیام کند و به پیش پدرآسمانی خود در بالا بیبوند. شاگردان باید بدون حضور فیزیکی او زندگی می‌کردند و دیگر نمی‌توانستند با او راه بروند و حرف بزنند. او همچنین پیشگویی می‌کند که پطرس او را سه بار او انکار خواهد کرد. اما عیسی می‌دانست که این اخبار شاگردان را غمگین خواهد کرد. به همین به آنها تسلی داد و به آنها اطمینان خاطر داد که آنها را هم به نزد پدر خواهد برد. بعد به آنها گفت که آنها را تنها نخواهد گذاشت و به جای خود روح القدس را خواهد فرستاد. به وعده عیسی در یوحنا ۱۴: ۲۶ گوش کنید:

لیکن تسلی دهنده یعنی روح القدس که پدر او را به اسم من می‌فرستد، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه به شما گفتم به یاد شما خواهد آورد. (یوحنا ۱۴: ۲۶)

عیسی وعده داد که شاگردان خود را هرگز تنها نخواهد گذاشت. آنها تجربه خواهند شد، مورد جفا قرار خواهند گرفت، ولی هیچ وقت لازم نیست که به تنهایی از نام عیسی و خودشان دفاع کنند. روح راستی به ایشان قدرت خواهد داد تا بدون خطا و مقتدرانه از جانب عیسی حرف بزنند و بنویسند.

عیسی بعد از تسلی دادن به شاگردانش، آنها را برای وداع با او و خدمات آینده در یوحنا ۱۵:۱-۱۶:۳۳ آماده کرد.

آماده‌سازی. در پایان بخش قبلی، عیسی و شاگردان مکانی را که در آنجا جمع شده بودند ترک کردند و در بخش جدید عیسی سخنان تازه‌ای را آغاز می‌کند. او با معرفی خود به عنوان «تاک حقیقی» در یوحنا ۱۵:۱-۱۸ صحبت‌های خود را شروع می‌کند. این استعاره در مزمور ۸۰:۸ و اشعیا ۵:۷-۷ که در آن اسرائیل به شکل تکی پر جلال تصویر شده آمده است. اما به خاطر سقوط و گناه اسرائیل، بعدها در ارمیا ۲:۲۱ با عنوان «مو فاسد و وحشی» خوانده شد. عیسی با بهره‌گیری از این نماد به شاگردانش اطمینان داد که خود او قوم حقیقی و وفادار اسرائیل را دوباره شکل می‌دهد و آنها بخشی از این نقشه بزرگ بودند. به گفته‌های عیسی در یوحنا ۱۵: ۱-۵ گوش کنید:

من تاک حقیقی هستم... من تاک هستم و شما شاخه‌ها. آنکه در من می‌ماند و من در او، میوه بسیار می‌آورد. (یوحنا ۱۵:۱-۵)

عیسی با ادعای تاک حقیقی، در اصل می‌گفت که خود او اسرائیل واقعی است. او اسرائیل را نمایندگی کرد و سرنوشت اسرائیل را به انجام رساند. اسرائیل برای برقراری ملکوت خدا بر زمین شکست خورده بود ولی عیسی پیروز می‌شد. و شاگردان او شاخه‌های این تاک بودند. آنها بخشی از قوم خدا و عواملی بودند که خداوند به وسیله آنها نقشه‌اش را برای تمام دوران‌ها به انجام می‌رساند.

اما عیسی می‌دانست که این جهان از شاگردانش نفرت خواهد داشت چون قبلا از خود عیسی نفرت داشت. بنابراین به آنها اطمینان داد که در دعا به خدای پدر را برای آنها باز می‌کند. آنها سفیران و نمایندگان مقتدر او روی زمین بودند. به همین خاطر پدر به دعاهای آنها مثل دعای عیسی گوش خواهد کرد. عیسی در یوحنا ۱۶: ۲۳-۲۴ به آنها گفته بود:

و در آن روز چیزی از من سوال نخواهید کرد. آمین آمین به شما می‌گویم که هر آنچه از پدر به اسم من طلب کنید، به شما عطا خواهد کرد. تا کنون به اسم من چیزی طلب نکردید، بطلبید تا بیابید و خوشی شما کامل گردد. (یوحنا ۱۶: ۲۳-۲۴)

عیسی بعد از آماده کردن شاگردان، در یوحنا ۱۷:۱-۲۶ برای آنها دعا کرد.

دعا. دعای عیسی در یوحنا ۱۷ به عنوان دعای کاهن اعظم شناخته می‌شود چون در این دعا مثل یک کاهن برای شاگردانش شفاعت می‌کند. عیسی به طور خاص از خدا می‌خواهد تا از آنها مراقبت کند چون بسیاری از طریق آنها به عیسی ایمان خواهند آورد. او دعا کرد تا خدا آنها و شاگردان آنها را از نیروهای این جهان حفظ کرده و در اتحاد آنها را تقویت کند تا زندگی آنها باعث جلال خدا شود.

عیسی می‌دونست که وقتی کمی برایش باقی مانده و وقت اونه که به قول خودش «نزد پدر» برگردم و مثل زمان پیش از پیدایش جهان با هم یکی باشند. اینجا عیسی می‌گه که همه اون کسانی رو که به من دادی، حفظ خواهم کرد به جز یکی یعنی فرزند هلاکت تا گفته کلام خدا محقق بشه. بنابراین عیسی واقعا به خاطر شاگردانش به پدر دعا می‌کرد. او گفت که من سه تا سه سال و نیم با آنها کار کردم تا اونها را تقدیس کنم و به این نقطه برسونم. اما حالا نمی‌تونم با اونها بمونم پس پدر، تو اونها را حفظ کن و این عمل تقدیس رو ادامه بده چون اونها با تجربه‌ها و جفاهای بسیاری روبرو خواهند شد. پس اونها چطور قرار بود به کارشون ادامه بدن؟ در واقع، این دعایی است برای شاگردان تا اونها رو برای کار، تجربه‌ها، جفا و شهادتی که پیش روی آنهاست و تمام اون چیزهایی که باید برای اعلام پیغام انجیل عیسی مسیح متحمل بشن، آماده می‌کنه.

- کشیش تاد جیمز

یوحنا بعد از شرح شام آخر، مرگ و قیام عیسی را در ۱:۱۸ - ۳۱:۲۰ گزارش می‌دهد.

مرگ و قیام

مرگ و قیام عیسی و وقایع مرتبط به آن در انجیل یوحنا، معمولا با عنوان ساعت جلال عیسی توصیف می‌شوند. در عهد عتیق کلمه «جلال» معمولا اشاره به حضور خدا در میان قوم خود داشت. در طول تاریخ اسرائیل، جلال خدا اسرائیل را همراهی می‌کرد. جلال خدا در ایام سرگردانی اسرائیل، به شکل ابری در بیابان آنها را در خروج ۱۰:۱۶ هدایت می‌کند. جلال خدا در خیمه خدا در خروج ۳۴:۴۰-۳۵ دیده می‌شود و در اول پادشاهان ۱۱:۸ جلال خدا در معبد سلیمان ساکن شد و به همین ترتیب، در انجیل یوحنا کلمه «جلال» به خدای مجسم اشاره می‌کند که در میان قوم خودش ساکن شد. اما وقتی عیسی به «ساعت جلال خویش» اشاره می‌کند، اشاره او به زمانی است که جلال او به شکل بسیار محسوسی آشکار خواهد شد. به عبارت دیگر، او به مرگ و قیامش اشاره می‌کرد.

معمولا ما مرگ را پر جلال نمی‌دانیم. اما مرگ و قیام عیسی مصالحه خدا را با قومش خرید. او با قربانی کردن داوطلبانه خودش و قیامش از مردگان، نجات و زندگی را برای هر کس که به او ایمان بیاورد و به عنوان مسیح بپذیرد، هدیه می‌کند. مرگ و قیام، قدرت و محبت خداوند را طوری به ما نشان دادند که تا به حال آن اینطور به این قضایا نگاه نکرده بودیم. اینها در عین حال که بسیار اسفناکی، زیبا بودند و مایه ستایش و جلال بی‌اندازه خدا شدند. خلاصه اینکه این وقایع پر جلال‌ترین اتفاقاتی بودند که در تاریخ بشر رخ دادند.

روایت مرگ و قیام عیسی به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود و با دستگیری و تجربه‌ها در یوحنا ۱۸:۱-۱۹:

۱۶:۱۹ شروع می‌شود.

دستگیری و محاکمه‌ها. اول در یوحنا ۱۱-۱۸:۱ می‌خوانیم که عیسی دستگیر شد. بعد از آنکه یهودا به عیسی خیانت می‌کند سربازان و مأموران کاهن اعظم و فریسیان برای دستگیری او می‌آیند. در یوحنا ۱۲:۱۸-۲۷ می‌خوانیم که عیسی را برای بازجویی پیش کاهن اعظم قیفا می‌برند. در میان همین اتفاقات، طبق پیشگویی عیسی، پطرس سه مرتبه او را انکار می‌کند.

بعد عیسی توسط پیلاتس، فرماندار رومی، در ۱۸:۲۸-۱۹:۱۶ مورد بازجویی قرار می‌گیرد. پیلاتس معتقد بود که عیسی بی‌گناه است ولی از ترس یهودیان او را آزاد نکرد. اما قدرت حقیقی که در پس دستگیری و محاکمه عیسی بود خود خدا بود. نه پیلاتس و نه قیفا هیچ اختیاری در این کارها نداشتند. همه چیز طبق نقشه خدا اتفاق افتاد. این را در یوحنا ۱۹:۱۰-۱۱ می‌خوانیم:

پیلاتس گفت: «نمی‌دانی که قدرت دارم تو را صلیب کنم و قدرت دارم آزادت نمایم؟» عیسی جواب داد: «هیچ قدرت بر من نمی‌داشتی اگر از بالا به تو داده نمی‌شد.» (یوحنا ۱۹:۱۰-۱۱)

دومین بخش اصلی مرگ و قیام عیسی به صلیب کشیدن او اختصاص دارد که در یوحنا ۱۹:۱۶-۳۷ آمده است.

مصلوب شدن. یوحنا با روایت مرگ عیسی شرح داد که چگونه وقایع خاص مصلوب شدن عیسی پیشگویی‌های عهد عتیق در مورد مسیح را محقق کردند. این جزئیات نشان می‌دهند که عیسی اصلا غافلگیر نشده بود چون همه اتفاقات طبق نقشه خدا در حال اجرا بود.

عیسی در جریان دستگیری و مصلوب شدن در سکوت عزت و احترامش را حفظ کرد. پسر خدا جان خود را برای قومش فدا کرد و با این کار جلال خدا را به شکلی که هرگز دیده نشده بود آشکار کرد. خدا برای نجات قومش تا کجا پیش رفت؟ خدا تا پای صلیب پیش رفت!

کتاب مقدس می‌گوید که عیسی به خاطر خوشی که در پیش رویش قرار گرفته بود به سوی صلیب رفت. صلیب سخت‌ترین تجربه‌ای است که تا به حال کسی متحمل شده. هیچ عذابی بالاتر از اون چیزی که پسر خدا روی صلیب تجربه کرد وجود ندارد. مسیح نه تنها از نظر جسمی به وحشیانه‌ترین شکل ممکن جان داد بلکه بار گناهان ما و خشمی که خداوند نسبت به اون داشت رو، روی شانه‌های خودش تحمل کرد. پس سخت‌ترین کاری بود که تا به حال کسی اون رو انجام می‌داد اما عیسی اون رو به خاطر خوشی که در پس خود داشت انجام داد. خُب، او چرا این کار رو کرد؟ او این کار رو انجام داد چون می‌دونست که چه نتیجه‌ای خواهد داشت. این کار جلال خدا رو نشون می‌داد. محبت خدا، عدالت، خشم، تقدس و شفقت... همه اینها را میشه روی صلیب عیسی دید. همین به ما قدرت میده دور بره قربانی جمع بشیم و تا به ابد او رو پرستش کنیم. تخت او جایی است که او رو پرستش خواهیم کرد. پس خدا شخصیت و جلال خودش رو نشون داد و اینکه او روی صلیب کیست و ما به همین خاطر او رو می‌پرستیم. او فرزندان زیادی را در جلال و در این صلیب به دنیا آورد. به همین خاطر که او این کار را با خوشی انجام داد چرا که می‌دونست این کار چه ثمره‌ای خواهد داشت.

- دکتر اریک توئنس

سومین بخش، مرگ و قیام عیسی با خود قیام به پایان می‌رسد که در یوحنا ۱:۲۰-۳۱ آمده است.

قیام. طبق روایت یوحنا ۱:۲۰-۱۹ قبر عیسی یک واقعیت تاریخی است. مریم، پطرس و یوحنا خودشان دیدند که عیسی در آنجا نبود. عیسی در یوحنا ۱:۲۰-۳۱ به مریم مجدلیه، شاگردان و توما ظاهر می‌شود. در اینجا می‌بینیم که شاگردان به راحتی گول نخوردند ولی کمی شکاک بودند. توما مخصوصاً وقتی که عیسی برای اولین بار بر شاگردان ظاهر شد در آنجا حضور نداشت. در نتیجه توما شک داشت و دنبال مدرک می‌گشت. او نمی‌خواست داستان عجیب قیام را باور کند. اعتراف او در آیه ۲۸، اوج روایت یوحناست. توما با این کلمات عیسی را مورد خطاب قرار می‌دهد: «ای خداوند من و ای خدای من.»

خیلی جالبه که چطور توما نمی‌تونه حرف‌های شاگردان رو درباره قیام عیسی باور کنه، در حالی که شخصاً اونها رو می‌شناخت و همیشه با اونها همسفر بوده. اونها میگن که عیسی قیام کرده رو دیدن ولی اون نمی‌تونه قبول کنه. اینطور نبود که این حرف رو غریبه‌ها دارن بهش میگن و جالبه که همه‌شون هم هم‌عقیدن. ولی او نمی‌خواد باور

کنه. من فکر می‌کنم دلیلش ناتوانی او در پذیرش ریسک ایمان و ناامید شدن دوباره اوست. من فکر می‌کنم او از اینکه دوباره ناامید بشه می‌ترسید.

- دکتر دیوید ردلینگز

شما روایت توما رو دارید که شک می‌کنه و این جمله معروف را میگه: «تا انگشت خود را در جای میخ‌ها نگذارم و دست خود را بر پهلویش ننهیم، ایمان نخواهم آورد.» این گفته نشان‌دهنده شک توماست. توما رو معمولاً «توما شکاک» لقب دادند ولی به نظر من نباید تا این حد توما رو سرزنش کرد. اول اینکه، یوحنا اعلام می‌کنه وقتی عیسی خودش رو به شاگردان ظاهر کرد، توما اونجا حضور نداشت. دوم اینکه، اگر قبول کنیم شاگردان باید شاهدان عینی قیام عیسی می‌بودند، پس به این نتیجه می‌رسیم که توما باید او رو می‌دید و ایمان می‌آورد. سوم اینکه، وقتی عیسی یک بار دیگه ظاهر می‌شه، توما جسورانه‌ترین و صریح‌ترین شهادت ایمانی رو در کل انجیل یوحنا اعلام می‌کنه و میگه: «ای خداوند من و ای خدای من» و بعد یوحنا در پایان باب ۲۰، گفته عیسی رو نقل می‌کنه که «تو دیدی و ایمان آوردی ولی خوشبحال کسانی که ندیده ایمان بیاورند». به نظر میاد که توما باید می‌دید و ایمان می‌آورد تا به ما این پیام رو بده که ما هم باید به آنچه اونها دیدند، ایمان بیاریم. به نظرم، کمی در مورد توما بی‌انصافی می‌کنیم چون نقش منحصر بفردی داره؛ وقتی او عیسی رو دید، ایمان فوق‌العاده‌ای از خودش نشون داد. در واقع، توما برای ما یک الگوست چون که ما هم وقتی عیسی را درک می‌کنیم، به پاهای او می‌افتیم و او را می‌پرستیم.

- دکتر سایمون ویرت

آخرین بخش از انجیل یوحنا نتیجه‌گیری او از زندگی و خدمت زمینی عیسی است که در یوحنا ۲۱: ۱-۲۵ به ثبت رسیده است.

نتیجه‌گیری

این نتیجه‌گیری مضامینی را از کل انجیل در بر می‌گیرد و بعد توجه خوانندگان را به آینده جلب می‌کند. این بخش درست مثل باب‌های قبلی، قیام و ظهور عیسی را در آیات ۱-۱۴ گزارش می‌کند. اما تأکید راوی بر ظاهر شدن نیست بلکه یوحنا در هر دو آیه ۱ و ۱۴، به ظهور مسیح به دید مکاشفه نگاه می‌کند و از همین اصطلاح در ۱۱:۲ استفاده می‌کند که در آن عیسی جلال خود را «ظاهر» یا «مکشوف» می‌کند. پس، یوحنا به جای اینکه بخواهد ظهور عیسی را تنها به منزله اثبات قیام او به کار بگیرد، قصد داشت این روایت را به عنوان مکمل مکاشفه

و جلال عیسی بخواند که در باب اول انجیلش این را شروع کرده بود و در تمام روایت‌هایش این کار را ادامه داده است.

علاوه بر این، این نتیجه‌گیری تاییدی است بر اقتدار رسولان و سایر شاگردان برای اینکه بتوانند شاهی برای عیسی باشند، علی‌رغم اینکه قبلاً پطرس رسول بزرگ سه بار عیسی را انکار کرده بود. در یوحنا ۱۵:۲۱-۲۳ عیسی انکار پطرس را بخشید و با دعوت سه باره از پطرس به خدمت، این سه بار انکار را از بین می‌برد. عیسی در این بازگشت و دعوت به خدمت، از پطرس می‌خواهد تا مراقب گله خدا باشد. فقط خود عیسی شبان نیکو بود اما حالا از پطرس می‌خواهد که به تبعیت از او از قوم خدا مراقبت کند.

همه اناجیل به نوعی با حکم اعظم به پایان می‌رسند. عیسی به رسولان و شاگردان دیگرش فرمان می‌دهد تا کلیسا را بنا کنند. و این روایت بازگشت پطرس نگاه یوحنا به آینده کلیساست. عیسی وعده داده بود تا همیشه با قومش باشد. و او از این فرصت استفاده کرد تا نشان دهد که برای انجام این کار از شبانان دیگری مثل پطرس استفاده خواهد کرد. پطرس بعدها در اول پطرس ۱:۵-۲ چنین می‌نویسد:

پیران را در میان شما نصیحت می‌کنم، من که نیز با شما پیر هستم و شاهد بر زحمات مسیح و شریک در جلالی که مکشوف خواهد شد. گله خدا را که در میان شماست بچرانید و نظارت آن را بکنید، نه به زور بلکه به رضامندی، و نه به جهت سود قبیح بلکه به رغبت (اول پطرس ۱:۵-۲).

اکثر محققین کتاب مقدس بر این باورند وقتی یوحنا این انجیل را می‌نوشت آخرین رسولان در حال مرگ بودند. حتی شاید یوحنا آخرین رسولی بوده که تا این زمان، زنده مانده است. پس، این موضوع برای قوم خدا اهمیت داشت که بشنوند که عیسی هنوز از طریق شبانان گله او در میان آنها حاضر است. بالاخره نه پطرس و نه هیچ رسول دیگری نبود که کلیسا را رهبری می‌کرد. بلکه این عیسی بود که از او پیروی می‌کردند. آنها فقط در جایگاه سفیران و همکارانش خدمت می‌کردند و عیسی به قومش قول داد که خودش در جسم و برای همیشه باز خواهد گشت تا آنها را در آینده رهبری کند.

حال که به پیشینه، ساختار و محتوای انجیل یوحنا نگاهی کردیم، نوبت آن می‌رسد تا به مضامین اصلی مورد تاکید یوحنا نگاهی بیندازیم.

مضامین اصلی

یوحنا در گفتار اصلی خودش، چند مضمون مهم را در باب ۲۰:۳۰-۳۱ فهرستوار آورده است. در این بخش می‌خوانیم:

و عیسی معجزاتِ دیگرِ بسیار نزد شاگردان نمود که در این کتاب نوشته نشد. لیکن این قدر نوشته شد تا ایمان آورید که عیسی، مسیح و پسر خدا است و تا ایمان آورده، به اسم او حیات یابید (یوحنا ۲۰: ۳۰-۳۱).

در این بخش از درس به چهار مضمون تقریباً مرتبط به هم از سخنان یوحنا می‌پردازیم: عمل ایمان آوردن، هویت عیسی در مقام مسیح، هویت او در مقام پسر خدا، و برکات زندگی او. اول به تاکید یوحنا بر ایمان می‌پردازیم.

ایمان

یوحنا ۱۰۶ بار از کلمه یونانی «پِیستیو» به معنای «ایمان» استفاده کرده است. سه انجیل دیگر روی هم فقط ۳۴ بار از این کلمه استفاده کردند که تقریباً یک سوم تعدادی است که یوحنا به کار برده است. این تفاوت در تاکید روی ایمان نشان می‌دهد که این موضوع چقدر برای روایت یوحنا مهم بوده است. در انجیل یوحنا، مفهوم ایمان با سایر مفاهیمی که به کلمات «قبول کردن»، «آمدن» و «شناختن» دلالت دارند، ارتباط نزدیکی دارد. بنابراین ایمان آوردن به مسیح به معنای قبول کردن او، به سوی او آمدن و شناختن او در تجربه فردی است.

این نوع از ایمان آوردن، قبول کردن، شناختن و آمدن به سوی عیسی اغلب در لحظه تصمیم‌گیری شخصی برای اعتماد و پیروی از عیسی آغاز می‌شود - چیزی که مسیحیان امروزی به آن «تبدیل یافتن» می‌گویند. اگر این «تبدیل»، واقعی باشد باعث می‌شود تا در کار خدا مشارکت کنیم و از راه‌های مختلفی برکات او را دریافت کنیم. یوحنا در این بخش از انجیلش، «تبدیل» را به «فرزند خدا» شدن و دریافت «حیات ابدی» مطرح می‌کند. به تعریف یوحنا از ایمان در یوحنا ۱۲:۱ گوش کنید:

و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد. (یوحنا ۱۲:۱).

از همین کلمات در یوحنا ۳: ۳۶ استفاده شده. به این آیه گوش کنید:

آنکه به پسر ایمان آورده باشد، حیات جاودانی دارد و آنکه به پسر ایمان نیاورد حیات را نخواهد دید، بلکه غضب خدا بر او می‌ماند. (یوحنا ۳:۳۶).

در چنین متن‌هایی، ایمان عملی است بی‌ریا، ناشی از احساسات قلبی، مبتنی بر اعتماد شخصی و تسلیم شدن به عیسی که ما را با او متحد می‌کند. چنین ایمانی ما را به عنوان کار خدا در تاریخ ثبت می‌کند و زمانی به کمال می‌رسد که مسیح در جلال کاملش ظاهر شود.

حال مهم است بدانیم که یوحنا همیشه از «ایمان» به این شکل استفاده نمی‌کند. یوحنا در بعضی از متن‌ها، از ایمان، برای اشاره به ایمان سطحی استفاده می‌کند که الاهدانان آن را باور «موقتی» یا «ریاکارانه» می‌نامند. به عنوان مثال، به یوحنا ۲:۲۳-۲۴ گوش کنید:

در آن روزها که عیسی برای عید فصح در اورشلیم بود اشخاص بسیاری که معجزات او را دیدند، به او گرویدند اما عیسی به آنان اعتماد نکرد، چون همه را خوب می‌شناخت. (یوحنا ۲:۲۳-۲۴، ترجمه شریف)

عیسی به چنین افرادی اعتماد نمی‌کند چون ایمان آنها سطحی بود. ایمان آنها خالص و به قول الاهدانان «ایمان نجات‌بخش» نبود.

بخش بزرگی از این آیات نشان می‌دهد که معمولاً منظور یوحنا از «ایمان»، معمولاً ایمان نجات‌بخش و باور حقیقی به عیسای نجات‌دهنده بود. برای یوحنا و عیسی، مفعول ایمانی شرط اصلی بود. این نیروی ایمان ما نیست که ما را نجات می‌دهد بلکه قدرت کسی است که به او ایمان می‌آوریم. حال که مضمون ایمان را از دیدگاه یوحنا درک کردیم، به موضوع اصلی دیگری می‌پردازیم که یوحنا از ما می‌خواهد تا در مورد عیسی به آن ایمان آوریم یعنی اینکه عیسی همان مسیح یا ماشیح و تحقق وعده‌های قدیمی خدا به قومش اسرائیل است.

مسیح

یوحنا با «مسیح» خواندن عیسی، به طور مشخص او را پادشاه اسرائیل تلقی می‌کند. به هر حال، در قرن اول کلمه «مسیح» یا «ماشیح» معادل عملی «پادشاه اسرائیل» محسوب می‌شد. این همان کسی است که مسیح بود. اما این حقیقت که عیسی پادشاه اسرائیل است نشانه‌های زیادی دارد که یوحنا به برخی از آنها اشاره می‌کند. برای مثال، یوحنا با تاکید اعلام می‌کند که مسیح مثل سایر پادشاهان یهودا و اسرائیل در عهد عتیق مظهر مردمی است که بر آنها حکومت می‌کردند. عیسی به همه آن چیزهایی را که اسرائیل در آن شکست خورد، تبدیل

شد و در نتیجه برکاتی را که اسرائیل نتوانست صاحب آن شود، به دست آورد. عیسی در جایگاه پادشاه اسرائیل، اسرائیل را با تمام ظرفیت‌های خود ارائه داد و هم در نقش جایگزین آن و هم مجرای برای دریافت برکات خدا برای آنها شد.

یوحنا این حقیقت را در ۱:۱۵-۸ با این مثال که مسیح تاک حقیقی است و پیروانش شاخه‌های او هستند تشریح می‌کند. به گفته‌های عیسی در یوحنا ۱۵:۵-۸ گوش کنید:

من تاک هستم و شما شاخه‌ها. آنکه در من می‌ماند و من در او، میوه بسیار می‌آورد... جلال پدر من آشکارا می‌شود به اینکه میوه بسیار بیاورید و شاگرد من بشوید (۱۵:۵-۸).

در سراسر عهد عتیق، اسرائیل به عنوان تاک خدا به تصویر کشیده شده است. این تصویر را در متونی مثل مزمور ۸۰، ارمیا باب ۲، حزقیال باب ۱۷ و هوشع باب ۱۰ می‌بینیم. علاوه بر این، خانواده سلطنتی داوود و حتی ماشیح بزرگ آینده، به عنوان شاخه‌هایی تصویر شدند که کل قوم خدا از آنها خواهند روید. این مورد را می‌توان در اشعیا ۱:۱۱ مشاهده کرد. بنابراین، در تقابل با این پیش‌زمینه موجود، وقتی عیسی ادعا می‌کند که تاک حقیقی است و تنها راه خشنود کردن و جلال دادن خداست، شاگردان متوجه می‌شوند که عیسی همان پادشاه حقیقی اسرائیل است که مظهر و نماینده قوم خداست.

اما چه نشانه‌هایی موجود است که نشان دهد عیسی پادشاه، همان اسرائیل واقعی و حقیقی است؟ اول اینکه، به این معناست که عیسی آنچه که اسرائیل برای آن خوانده شده بود را محقق کرد. اسرائیل برای جایگاهی که از طرف خدا خوانده شده بود و در انجام کاری که از او خواسته شده بود، ناتوان مانده بود. هر جا اسرائیل به خاطر گناه افتاده بود، عیسی در آنجا پیروز شد. او سرنوشت اسرائیل را به فرجام رساند. او شخصا چندین قرن از تاریخ عهد عتیق را در یک جا جمع کرد و واقعیت حضور پر جلال خدا را آنگونه که هست نشان داد. به همین خاطر، افراد واقعی اسرائیل نه به عنوان اعضای قوم اسرائیل بلکه به عنوان شاخه‌های تاک حقیقی شناخته می‌شوند یعنی کسانی که به مسیح ایمان می‌آورند و در ایمان با او متحد می‌شوند.

بحث درباره نقش نمایندگی عیسی به عنوان مسیح موعود به سه طریق توسط عیسی همه انتظارات عهد عتیق از ماشیح را برآورده کرد که این موضوع در انجیل یوحنا نقش خاص و مهمی دارد. اول اینکه، عیسی هیکل را محقق کرد. دوم اینکه، انتظارات برآمده از اعیاد اسرائیل را محقق کرد و سوم اینکه عیسی شریعت خدا را کامل کرد. ما به تک تک این موارد خواهیم پرداخت اما کار را با نقش تحقق هیکل توسط عیسی شروع می‌کنیم.

هیکل

یکی از دلایل اهمیت هیکل در کتاب مقدس این است که خدا وعده داده بود که به طریق خاصی در کنار قوم خود در آنجا حضور خواهد داشت. می‌دانیم که خداوند همیشه در همه جا حاضر است اما وقتی دربارهٔ حضور خاص او صحبت می‌کنیم انتظار داریم که «تجلی» حضور او را ببینیم. درست مثل مواقعی که خدا در مکان خاصی یافته بود که اغلب به طور پرجلالی قابل رویت بود.

حضور خدا در خیمه و هیکل بسیار پر معنی است چون که خیمه و هیکل نمادی مینیاتوری عالمه. این دو جهان کوچکی هستند که حضور خدا در اونها نشان‌دهنده حضور او در جهان. جهان هیکلی است که خدا ساخته تا با قومش در ارتباط باشد. وقتی آدم نافرمانی کرد، خدا گروهی از مردم رو که بعدها به قوم اسرائیل تبدیل شدند، انتخاب کرد و در بین اونها ساکن شد و هر جایی که حضور پیدا می‌کرد، نسخه‌ای از جهان بود و حضور خدا در اونها حضور ویژه‌ای بود چونکه اسرائیل در آنجا به حضور خدا می‌رفت یعنی در خیمه که بعدها تبدیل به هیکل شد و پیش‌درآمدی بود بر اونچه خدا می‌خواست در جهان انجام بده. خداوند خیمه رو با حضور مقدسش پر کرد و این کار تا پایان خروج ادامه پیدا کرد. بعد تا اول پادشاهان باب ۸ که کار ساخت هیکل تمام شد، هیکل رو هم پر کرد. و ما می‌بینیم که همهٔ اینها پیش‌نمایی به ما می‌ده که وقتی جلال خدا به طور کامل دیده بشه، چه اتفاقی در جهان خواهد افتاد.

- دکتر جیمز همیلتون

حضور خاص خدا در میان قومش در چندین صحنه از تاریخ کتاب مقدس دیده می‌شود. در ابتدا، باغ عدن مکان مقدسی روی زمین بود که حضور اصلی و خاص خدا را می‌توان در آن دید. در این مکان نقش تخت زمینی خدا تلقی می‌شد که انسان باید کل زمین را تقدیس می‌کرد و آن را به پادشاهی مقدس خدا تبدیل می‌کرد. بعدها وقتی خدا قوم اسرائیل را به عنوان کهنات ملوکانه خودش برگزید، حضور خاص او در خیمه و سپس در هیکل تجلی پیدا کرد. پس از باغ عدن شکل و لوازم خیمه و هیکل تعیین شد و این دو باید به جای باغ عدن ایفای نقش می‌کردند. کتاب مقدس با این گفته که خیمه و هیکل تخت پادشاهی خدا بر روی زمین هستند و خدا در آنها با جلال خود در میان قومش حضور پیدا می‌کند، این حقیقت را تأیید می‌کند. می‌توان این حقیقت را در اول قرنیتان ۲:۲۸، مزامیر ۴:۱۱ و اشعیا ۶:۱۶ مشاهده کرد. این دو مقدس‌ترین مکان‌ها در کل جهان بودند که قوم می‌توانست برکت خدا را در آنها بیابد و مثل باغ عدن این دو نیز مرکز پادشاهی خدا به شمار می‌رفتند و قوم خدا باید زمین را برای پادشاهی او تقدیس می‌کرد. از نظر انجیل یوحنا نیز مهم‌ترین راه درک اهمیت عیسای مسیح این است که او مضمون خیمه و هیکل در عهد عتیق را به کمال رسانده است. به نوشتهٔ یوحنا در ۱۴:۱ گوش کنید:

و [عیسی] جسم گردید و میان ما ساکن شد، پُر از فیض و راستی و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر. (یوحنا ۱:۱۴)

وقتی یوحنا می‌گوید که «میان ما ساکن شد» از فعل یونانی «اسکیناؤ» که هم‌ریشه اسم «اسکینه» به معنی چادر یا خیمه استفاده می‌کند. در اصل، همین اسم برای خیمه مقدس خدا در ترجمه هفتادگانی یا همان ترجمه یونانی عهدعتیق نیز استفاده شده است. یوحنا با استفاده از این کلمه و مرتبط کردن آن با «جلال» خدا نشان می‌دهد که عیسی حالا همان جایگاهی را برای دسترسی به حضور خاص خدا فراهم می‌کند که قبلاً در خیمه در دسترس بود.

یوحنا در ۱۹:۲-۲۱ همین نکته را درباره هیکل خدا به کار می‌برد و می‌نویسد:

عیسی در جواب ایشان گفت: «این قدس را خراب کنید که در سه روز آن را برپا خواهم نمود.» آنگاه یهودیان گفتند: «در عرصه چهل و شش سال این قدس را بنا نموده‌اند؛ آیا تو در سه روز آن را برپا می‌کنی؟ لیکن او درباره قدس جسد خود سخن می‌گفت. (یوحنا ۲:۱۹-۲۱)

در اینجا هم یوحنا به صراحت بیان می‌کند که عیسی تحقق هیکل است.

یوحنا این مورد را هم به صراحت اعلام می‌کند که حتی بعد از ترک جسمی عیسی از روی زمین، پیروانش همچنان از حضور خدا بهره‌مند خواهند شد. به همین خاطر است که مسیح به زن سامری می‌گوید که خیلی زود روزی فرا می‌رسد که نه هیکل اورشلیم و نه مکان مقدس سامریان هیچ ارجحیتی برای پرستش خدا نخواهند داشت. عیسی در یوحنا ۴:۲۳-۲۴ چنین می‌گوید:

لیکن ساعتی می‌آید بلکه الآن است که در آن پرستندگان حقیقی پدر را به روح و راستی پرستش خواهند کرد... خدا روح است و هر که او را پرستش کند می‌باید به روح و راستی بپرستد. (یوحنا ۴:۲۳-۲۴)

سخنان عیسی به زن سامری می‌تواند برای کلیسای امروز بسیار دلگرم کننده باشد چون ما دقیقاً در ایامی زندگی می‌کنیم که عیسی درباره‌اش صحبت می‌کرد. امروزه دیگر مسیح حضور جسمی بر زمین ندارد. همانطور که در عبرانیان ۸:۲ و ۹:۱۱-۱۲ آمده، او اکنون در خیمه خدا در آسمان ساکن است. اما او در روح در میان ما حاضر است، به خصوص زمانی که با یکدیگر در کلیسای او گرد هم می‌آییم. این موضوع را در متی ۱۸:۲۰ و اول پطرس

۹-۴:۲ می‌بینیم. از آنجایی که عیسی در میان ما حاضر است، حالا ما هیکل مقدس حضور خاص خدا روی زمین هستیم.

اما حتی این هیکل متجلی در مسیح با بازگشت عیسی در جلال کامل تر می‌شود. بخش‌هایی مثل مکاشفه ۵-۱:۲۱ تعلیم می‌دهند که وقتی مسیح بازگردد، تمام خلقت را به مسکن خدا تبدیل خواهد کرد. در آن زمان مسیح و خدای پدر همیشه با ما خواهند بود و تمام زمین از جلال خدا پر خواهد شد.

دومین طریقی که عیسی انتظارات عهدعتیق از مسیح موعود را در انجیل یوحنا محقق می‌کند مربوط به تحقق اهمیت اعیاد اسرائیل است.

اعیاد

همانطور که قبلاً اشاره کردیم، انجیل یوحنا بیشتر در برگیرنده فهرست اعیادی است که عیسی در آنها شرکت کرد. از جمله این اعیاد، می‌توان به عید فصح، عید خیمه‌ها و عید تجدید اشاره کرد. خدا این اعیاد را تعیین کرد تا کهانت ملوکانه اسرائیل را نشان دهد و راهی را برای آنها آماده کند تا از برکات حضور او در خیمه و هیکل بهره‌مند شوند و در این انجیل می‌بینیم که عیسی هدف اصلی این اعیاد را به کمال رساند.

عید فصح یکی از سه عید اصلی سالانه اسرائیل بود. در این عید اسرائیل خروج خود را از مصر جشن می‌گیرد. به طور خلاصه می‌توان گفت که عیسی این عید را به کمال رساند چرا که او مثل بره فصح که ذبح و خورده شد و خوشنماد رهایی اسرائیل از مصر بود. هر چهار انجیل عیسی را بره حقیقی فصح معرفی می‌کنند. اما تنها یوحنا این حقیقت را با یادآوری سخنان یحیای تعمیددهنده در ۲۹:۱ برجسته می‌کند که می‌گوید: «اینک، بره خدا که گناه جهان را بر می‌دارد». در یوحنا ۳۳:۱۹ گزارش می‌کند که وقتی عیسی مُرد، سربازان «ساق‌های او را نشکستند» و با این کار شرطی که در خروج ۴۶:۱۲ برای بره قربانی مبنی بر اینکه «استخوانی از آن مشکنید» رعایت می‌شود. یوحنا از این طریق و به طرق زیادی نشان می‌دهد که عیسی نماد و معنای فصح را به کمال رساند. در یوحنا ۲:۷ و ۳۷ یوحنا گزارشی هم از مشارکت عیسی را در عید سالانه دیگر اسرائیل یعنی عید خیمه‌ها ارائه می‌دهد. یکی از مهم‌ترین مراسم این عید ریختن آب بود که به یاد فراهم شدن آب برای قوم در بیابان و نیز بارش هر ساله باران بر محصولات اسرائیل انجام می‌شد و اینکه آنها در انتظار برکات دیگر خداوند در روزهای آخر می‌نشستند. و یوحنا نشان می‌دهد که ارتباط محکمی بین این عید و عیسی وجود دارد که مجرای همه برکاتی است که خدا در لحظات حساس تاریخی بر آنها ریخته است. مخصوصاً، یوحنا درباره روز آخر عید خیمه‌ها می‌نویسد که عیسی اعلام می‌کند اختیار برکات خدا در دست اوست. به آنچه عیسی در یوحنا ۳۷:۷ به جمعیت می‌گوید گوش کنید:

هر که تشنه باشد نزد من آید و بنوشد (یوحنا ۳۷:۷).

یوحنا می‌نویسد که نهر آب حیات برکات خدا از عیسی مسیح جاری می‌شود. برکات گذشته، برکات امروز و برکات آینده همگی از طریق او می‌آیند. عیسی تحقق همهٔ امیدهای برکات خداست که در عید خیمه‌ها به تصویر کشیده شده بود.

سرانجام در یوحنا ۲۲:۱۰-۳۹ عیسی عید تجدید یا حنوکا را جشن می‌گیرد. عید تجدید از اعیاد اصلی نبود که در عهدعتیق پایه‌گذاری شده باشد اما در قرن اول میلادی به یکی از مهم‌ترین اعیاد قوم اسرائیل تبدیل شد چون یادآور پیروزی اسرائیل بر یونانیان ستمگر در ۱۶۵ قبل از میلاد و تقدیم دوبارهٔ مذبح و هیکل بعد از این پیروزی می‌شد. در یوحنا ۳۰:۱۰ وقتی که عیسی مشغول جشن گرفتن عید تجدید بود، ادعای شگفت‌انگیزی کرد:

من و پدر یک هستیم (یوحنا ۳۰:۱۰).

یهودیان متوجه شدند که او ادعای خدایی می‌کند پس به سوی او سنگ پرتاب کردند. عیسی در دفاع از خودش در یوحنا ۳۶:۱۰ خود را اینگونه معرفی می‌کند:

کسی را که پدر تقدیس کرده (یوحنا ۳۶:۱۰).

عیسی برای بیان اینکه پدر او را «تقدیس کرده» از کلمهٔ رایج یونانی «هاگیاژیو» استفاده می‌کند. این کلمه در کتاب مقدس در رابطه با تقدیس و تقدیم در مراسم هیکل به کار می‌رفت. در این متن کلمه «هاگیاژیو» تقریباً مترادف با اصطلاح «اگینیا» به معنی «تقدیم» یا «تجدید» در عبارت «عید تجدید» به کار رفته است. یوحنا با استفاده از این روش‌ها، عیسی را به عید تجدید یا تقدیس هیکل مرتبط می‌کند. این جشنی بود که هیکل برای حضور خدا تقدیس می‌شد. به همین صورت، عیسی نیز برای حضور خدا بر روی زمین تقدیس شد. یوحنا علاوه بر نشان دادن اینکه عیسی انتظارات مربوط به هیکل و اعیاد را محقق کرده، این موضوع را که او شریعت خدا را نیز کامل کرده، به تصویر کشید.

شریعت

هر چند مسیحیان اغلب با دید منفی به شریعت خدا - به عنوان چیزی که ما را محکوم می‌کند - نگاه می‌کنند ولی باید به یاد داشته باشیم که این شریعت به ایمانداران حقیقی داده شده تا آنها را به سمت برکات خدا هدایت کند.

وقتی به شریعت در کتاب مقدس نگاه می‌کنید، واضحه که وقتی مردم اون رو می‌خونن، فکر نمی‌کنن که فقط دارن یک فهرست از قوانین و باید و نبایدها رو می‌خونن. شریعت به زندگی جهت می‌داد. و اگر بتونند با این دید بخونن، به این نتیجه می‌رسیدند که با رعایت اصول شریعت، از برکات خدا بهره می‌بردند و به نظر من دلایل زیادی برای این موضوع وجود داره. یکی از اون دلایل اینه که شریعت مکاشفه خداست. در واقع، شریعت نشون میده که خدا می‌خواد چطور زندگی کنیم. مزمورنویس در باب ۴۰ آیه ۸ می‌گه: «در به جا آوردن اراده تو ای خدای من رغبت می‌دارم.» بنابراین وقتی خودمون رو با اراده خدا همسو می‌کنیم و اراده او رو درک می‌کنیم، با انجام دادن بایدها و انجام ندادن نبایدها خوشی و برکات عظیمی به دست میاریم. در نتیجه، فقط الهامی بودن شریعت، خودش به تنهایی نشانه‌ای از برکت و لطف خداست. اما مهم‌تر از این نکته، من فکر می‌کنم این خودش برکته چون در اصل، شریعت در واقع دعوت از ماست تا در اونچه خدا می‌خواد در زمین انجام بده شریک بشیم.

- دکتر استیو هارپر

کاربرد اصلی شریعت در عهدعتیق کاربرد مثبتی است چون شریعت بازتابی از شخصیت خداست. مزامیر هم از شریعت به عنوان نوری برای راه و چراغی برای پاهای ما صحبت می‌کنه. داوود در مزامیر شریعت رو شیرین‌تر از عسل، با ارزش‌تر از طلا، معرفی می‌کنه و اون رو به خادمین یادآوری می‌کنه و می‌گه که پادش بزرگی در اون وجود داره. در واقع، کل مزامیر اینطور شروع می‌شن: «خوشابحال کسی که به مشورت شیران نرود و به راه گناهکاران نایستد، و در مجلس استهزاکنندگان نشیند؛ بلکه رغبت او در شریعت خداوند است.» مزمور یک در ادامه، حافظ شریعت رو به درختی تشبیه می‌کنه که در کنار رودی کاشته شده و هیچ وقت نیست که میوه نده. بنابراین شریعت جای برکته. اما این فقط جایی برای کسانی است که خدا اونها رو بخشیده و این بخشایش از طریق مسیح میسر می‌شه. در نتیجه، شریعت راهنمایی است که به ما نشون میده چطور زیر سایه مسیح زندگی کنیم تا از برکات او بهره ببریم. پس هر کسی که مسیح را دوست دارد، شریعت رو به جا میاره. همانطور که پولس می‌گه، مسیح هدف و منظور شریعتته. شریعت گناهان ما رو نشون می‌ده اما در عین حال یاد آور میشه که مسیح چه کاری برای ما انجام داده و در نهایت راه زندگی را به ما یاد میده. عیسی شریعت را در دو قانون خلاصه کرد: خدای خود را به تمامی دل، جان، فکر و قوت خود محبت نما و همسایه خود را مثل خودت محبت کن. پس هر کسی که شخصی را می‌شناسه

که خدا را با تمامی دل، جان، فکر و قوت خود محبت می‌کنه، مطمئناً برکات چنین شخصی رو دیده. و هر کس شخصی رو بشناسه که همسایه خودش را مثل خودش دوست داره، می‌دونه چه برکتی در این کار نهفته است. بودن با کسانی که به او امر خدا پایبند هستن و یا حتی در کنار اونها بودن سخاوت، رحمت، فراوانی و برکت زیادی به همراه داره.

- کشیش میکائیل گلودو

شریعت خدا در عهد عتیق به عنوان هدیه‌ای مخصوص برای قوم او ترسیم شده بود. در مزمو ۱۱۹ و سایر متن‌ها می‌بینیم که قوم اسرائیل شریعت را مثل راهنمایی برای رسیدن به برکات خدا محترم می‌شمارند. یعقوب در عهد جدید شریعت خدا را در یعقوب ۱: ۲۵ شریعتی کامل می‌خواند که آزادی می‌بخشد و پولس نیز در اول قرنتیان ۲۱:۹ آن را شریعت مسیح می‌خواند. خود عیسی نیز در یوحنا ۱۰:۳۵ بر اهمیت شریعت اشاره می‌کند:

ممکن نیست که کتاب محوگردد (یوحنا ۱۰:۳۵).

در اینجا عیسی تعلیم داد که کل عهد عتیق که شامل شریعت را هم می‌شود، کلام جاودانی و همیشگی خدا به قوش است.

با این اوصاف، یوحنا صریحاً اعلام می‌کند که شریعت خودی خود پایان کار نیست بلکه اهمیت آن در این بوده که همیشه به چیزی فراتر از خود یعنی عیسی اشاره می‌کند. عیسی در یوحنا ۵:۴۶-۴۷ به یهودیان بی‌ایمان می‌گوید:

زیرا اگر موسی را تصدیق می‌کردید، مرا نیز تصدیق می‌کردید چونکه او درباره من نوشته است. اما چون نوشته‌های او را تصدیق نمی‌کنید، پس چگونه سخن‌های مرا قبول خواهید کرد (یوحنا ۵:۴۶-۴۷).

یوحنا با این موضوع در کل انجیلش تاکید کرد. شریعت عهدعتیق به عیسی اشاره داشت پس انکار عیسی، انکار همان شریعتی بود که او را پیشگویی کرده بود.

یوحنا برای تاکید این حقیقت، به عیسی القاب، ویژگی‌ها، و اعمالی را نسبت می‌داد که یهودیت پیشتر از آن به شریعت نسبت داده بود. برای مثال، یهودیت می‌گوید شما باید دشمن خود را با «نان تورات» خوراک دهید. و در یوحنا ۳۵:۶ عیسی «نان حیات» خوانده می‌شود. یهودیت ادعا می‌کرد که «کلام تورات حیات جهان است» و در یوحنا ۱۱:۴ عیسی «آب حیات» است. همچنین یهودیت معتقد بود که «شریعت نوری است که به هر کس

روشنایی می بخشد». این مثال‌ها تنها تعدادی از نمونه‌های زیادی هستند که نشان می‌دهند عیسی تبلور شریعت خداست. عیسی و تعالیمش هنوز منبع حیات و نور برای همه پیروان او هستند. یوحنا با اشتیاق می‌خواست که مخاطبانش درک کنند که مفهوم اینکه عیسی همان مسیح است چیست. او از آنها خواست تا خیالش آسوده باشد چون عیسی هیچ وقت کلیسایش را ترک نکرد بلکه همیشه با در میان ما حاضر است. او از آنها خواست تا به مسیح اعتماد کنند تا از طریق او برکات خدا را دریافت کنند و از آنها خواست تا مطیع کلام خدا باشند تا خداوند را در مقام کاهنان پادشاهی او جلال بدهند. حال که به مضامین اصلی ایمان به عیسی و هویت او در جایگاه مسیح نگاهی انداختیم، بهتر است با نگاه موشکافانه‌تری هویت او به عنوان پسر خدا را بررسی کنیم.

پسر خدا

هویت عیسی به عنوان پسر خدا با هویت او به عنوان مسیح هم‌راستاست چون هر دوی آنها به واقعیتی اشاره می‌کنند که او پادشاهی است که بر ملکوت خدا بر زمین حکومت می‌کند. اما بهتر است این اصطلاحات را به صورت جداگانه بررسی کنیم چون هر کدام ظرافت‌های مختلفی دارند. در انجیل یوحنا عبارت پسر خدا اشاره به پادشاه الاهی مسیحایی اشاره دارد. از طرفی، اشاره به پسر الاهی دارد که از آسمان به زمین آمد، مثلاً در یوحنا ۱۰:۲۲-۴۰. از طرف دیگر، می‌تواند معادل پادشاه اسرائیل یا مسیح از نسل انسانی داوود باشد که پادشاه محق اسرائیل است. این مصداق را می‌توان در یوحنا ۱:۴۹ و ۱۱:۲۷ مشاهده کرد. برای درک بهتر معنای عیسی به عنوان پسر خدا در انجیل یوحنا، نگاه به تاکید یوحنا بر سَر بزرگی که عیسی هم کاملاً الاهی و هم کاملاً انسان بود می‌تواند به ما کمک کند. بیایید با موضوع اینکه عیسی کاملاً الاهی است کار را شروع کنیم.

الاهی

اولین روشی که یوحنا از آن برای نشان دادن الوهیت «پسر» استفاده می‌کند رابطه عیسی در مقام پسر با خدا در جایگاه پدر است. موارد زیادی در متون کتاب مقدسی وجود دارند که نشان می‌دهند که این رابطه از لحاظ کیفی با رابطه پدر با فرزندان صرفاً انسانی، مثل رابطه با خود ایمانداران متفاوت است. به این مباحثه بین عیسی و یهودیان در یوحنا ۱۰:۳۰-۳۳ گوش کنید:

[عیسی فرمود]: «من و پدر یک هستیم.» آنگاه یهودیان باز سنگ‌ها برداشتند تا او را سنگسار کنند. عیسی بدیشان جواب داد: «از جانب پدر خود بسیار کارهای نیک به شما نمودم. به سبب کدام یک از آنها مرا سنگسار می‌کنید؟»

یهودیان در جواب گفتند: «به سبب عمل نیک، تو را سنگسار نمی‌کنیم، بلکه به سبب کفر، زیرا تو انسان هستی و خود را خدا می‌خوانی» (یوحنا ۱۰:۳۰-۳۳).

یهودیان به درستی فهمیده بودند که منظور عیسی از اتحاد در رابطه‌اش با پدر، در واقع، ادعایی بود که عیسی در اصل خدا بود.

علاوه بر این، در یوحنا ۹:۱۴ عیسی پسر یگانه خداست که هیچ کس به غیر از او نمی‌توانست خدا را مکشوف کند. با اینکه در ۱۸:۱ از کلمه «پسر» استفاده نشده است ولی منظور دقیقا همین است. عیسی تمام و کمال خدا را برای قومش مکشوف کرد. در واقع، همانطور که عیسی در یوحنا ۹:۱۴ می‌گوید، «کسی که او را دیده خدا را دیده است.»

فراتر از این مکاشفات، عیسی اختیار کامل الاهی بر چیزهایی از قبیل زندگی و مرگ و داوری نهایی در دست داشت. همانطور که در یوحنا ۵:۲۱-۲۲ می‌خوانیم:

زیرا همچنان که پدر مردگان را برمی‌خیزاند و زنده می‌کند، همچنین پسر نیز هر که را می‌خواهد زنده می‌کند. زیرا که پدر بر هیچ کس داوری نمی‌کند بلکه تمام داوری را به پسر سپرده است (یوحنا ۵:۲۱-۲۲).

یوحنا تصریح می‌کند که عیسی خدای جسم پوشیده است. او خود خداست و از اقتدار بی‌نهایت برای انجام کارهای خدا روی زمین برخوردار است.

روش دیگر یوحنا برای نشان دادن الوهیت یا الاهی بودن پسر توصیفی بود که عیسی از خودش داشت که در آن از عبارت «هستم» استفاده می‌کند. در خروج ۳:۱۴ خداوند خودش را به موسی چنین معرفی می‌کند: «هستم آنکه هستم». اصولا همین عبارت اساس نام الاهی بود که در ترجمه‌های انگلیسی از عبارت «The Lord» و در فارسی از کلمه «خداوند» استفاده می‌شود. نام خدا برای یهودیان زمان عیسی به قدری مقدس بود که از به زبان آوردن آن پرهیز می‌کردند. اما عیسی آن را برای خودش به کار برد.

در انجیل یوحنا، عیسی تقریباً ۲۴ بار از عبارت «هستم» در سخنان خودش استفاده می‌کند. این عبارت بیش از هر انجیل دیگری در انجیل یوحنا آمده و در واقع نیمی از کاربرد این عبارت در عهد جدید، در انجیل یوحنا است. اولین مفهوم این عبارت معرفی عیسی و نشون دادن رابطه او با خدای عهد عتیقه. حتی در جاهایی که عیسی صرفاً از عبارت «من هستم» استفاده می‌کند، مثل یوحنا ۸:۵۸ و ۵۹، مردم سنگ بر می‌دارند و به خاطر اینکه که خودش رو با خدا یکی می‌دونه، به دنبال مجازات او هستند. در سایر جملات عبارت «هستم» عباراتی مثل «نان»، «نور»،

«راه و راستی و حیات» اومده. در این عبارات شاهدید که عیسی خودش رو خدا می‌خونه، خدایی که به زندگی انسان‌ها مرتبطه. به همین خاطر، باید جملات را با هم خوند تا منظور عیسی رو درک کنیم. مثلاً در یوحنا ۵۸:۸ که عیسی می‌گه: «پیش از آنکه ابراهیم پیدا شود من هستم». منظور عیسی اینه که او قبل از ابراهیم هم بوده چون که او خودِ خداست. هدف او این نیست که بگه از دو هزار سال پیش حضور داشته بلکه می‌خواد نشون بده که او خداست و با ابراهیم و خدای ازلی ارتباط داشته.

- دکتر جان مک‌کینلی

در یوحنا ۵۹-۱۲:۸ عیسی و رهبران یهود در تقابل شدیدی با یکدیگر قرار می‌گیرند. مباحثه درباره ادعای عیسی درباره پسرخواندگی او و ادعای یهودیان درباره فرزندگی ابراهیم بود. عیسی در آیه ۴۴ به آنها می‌گوید که آنها فرزندان ابلیس هستند. در جواب، یهودیان از او می‌پرسند که آیا او از ابراهیم بزرگتر است. عیسی بحث را با این آیه به پایان می‌رساند:

پیش از آنکه ابراهیم پیدا شود من هستم (یوحنا ۵۸:۸).

اگر منظور عیسی این بود که از ابراهیم بزرگتر است از عبارت «من بودم» استفاده می‌کرد. او گفت: «هستم» تا نه تنها نشان دهد که بزرگتر و باعظمت‌تر از ابراهیم است بلکه نشان دهد که خود خدای ابدی اسرائیل است.

حال که الوهیت عیسی را بررسی کردیم، به حقیقت دیگری که یوحنا مطرح کرده می‌پردازیم، یعنی: عیسی در مقام پسر خدا یک انسان کامل هم بود.

انسانی

از زمان داوود عبارت «پسر خدا» برای پادشاه انسانی به کار می‌رفت که بر تخت داوود نشسته و بر اسرائیل حکومت می‌کردند. از جمله این موارد، می‌توان به مزامیر ۷:۲ و دوم سموئیل ۷:۱۴ اشاره کرد. یوحنا ۴۲:۷ نشان می‌دهد که یهودیان منتظر ماشیحی از نسل داوود بودند و در یوحنا ۴۹:۱ عبارت «پسر خدا» معادل عبارت «پادشاه اسرائیل» به کار رفته است.

در متون دیگری از انجیل یوحنا نیز می‌توان دید که از عیسی به عنوان پادشاه یهود یاد شده است. مثلاً، ۱۳:۱۲-۱۵ و ۳۳:۱۸-۴۰ و ۱۹:۱-۲۱. به طور خلاصه، هر وقت یوحنا عیسی را با عنوان پسر خدا خطاب می‌کند منظور او همان عیسی از نسل داوود است که تا ابد بر اسرائیل حکومت خواهد کرد.

انجیل یوحنا تاکید می‌کند که عیسی در جایگاه پسر خدا، هم پادشاهی الهی و پادشاهی انسانی را در اختیار دارد. هر امیدی که از فرمانروایی خدا بر زمین در عهد عتیق قرار گرفت، و هر امیدی که عهد عتیق از فرمانروایی ماشیحی از نسل داوود در عهد عتیق بنیان گذاشته شد، در پادشاهی عیسی به کمال رسید و محقق شد. تا اینجا، نگاهی داشتیم بر مضامین اصلی ایمان به عیسی و هویت او در جایگاه مسیح و پسر خدا. حال آماده‌ایم تا به برکات زندگی کسانی بپردازیم که به مسیح ایمان می‌آورند.

حیات

یوحنا از کلمه «حیات» ۳۶ بار در انجیل خود استفاده کرده است. سه انجیل دیگر همه در مجموع ۱۶ بار از این کلمه استفاده کرده‌اند. اما تنها به خاطر تعداد کاربرد کلمه «حیات» نیست که به آن اهمیت مضاعفی می‌دهد بلکه نقش «حیات» در پیام انجیل است که اهمیت دارد. در یوحنا ۳:۱۷ عیسی «حیات» را اینچنین توصیف می‌کند:

حیات جاودانی این است که تو را خدای واحد حقیقی و عیسی مسیح را که فرستادی بشناسند. (یوحنا ۳:۱۷)

البته چنین شناختی فراتر از شناخت عقلانی خداست. هرچند چنین شناختی نیازمند خردمندی و عقلانیت است ولی مهم‌تر از آن رابطه شخصی با خدا و تجربه حضور او و نقش او در زندگی ماست. مصاحبت با خالق یکی از مهم‌ترین اهداف بشر است. همانطور که در یوحنا ۱۶:۳ آمده، حیات می‌تواند «ابدی» باشد یعنی هیچ وقت به پایان نرسد. اما یوحنا تصریح می‌کند که برای دستیابی به چنین حیاتی لازم نیست حتما بمیریم. در حقیقت، ایمانداران از قبل چنین حیاتی را یافته‌اند، همانطور که عیسی در یوحنا ۵:۲۴ می‌گوید:

هر که کلام مرا بشنود و به فرستنده من ایمان آورد، حیات جاودانی دارد و در داوری نمی‌آید، بلکه از موت تا به حیات منتقل گشته است (یوحنا ۵:۲۴).

حیات هدیه خدا به کسانی است که به عیسی ایمان می‌آورند.

از دید ما عبارت «حیات ابدی» بسیار ساده به نظر می‌آید چون ما اون رو به دفعات در کتاب مقدس دیدیم. می‌دونیم که یکی از عطایای نجات از طریق مسیح «حیات ابدی» است. اما شما می‌دونین که ما مخلوقاتی وابسته به ساعت تاریخی هستیم. یعنی ما اینطوری فکر می‌کنیم. ما با ثانیه و دقیقه و ساعت و روز و ماه و سال به مسایل نگاه می‌کنیم و نگاه ما به زندگی ابدی، حیاتی است که تقویم اون بسیار طولانیه. در اصل، تقویمی که هیچ وقت به پایان

نمی‌رسد. ولی در حقیقت، چنین تعریفی در کتاب مقدس وجود ندارد. اولین تعریف کتاب مقدس از حیات ابدی، حیات در خداست. این خداست که ابدیه. یک فرق بین خدا و ما مخلوقات او، اینه که او ابدی است ولی ما خیلی موقتی هستیم. ما زمان رو حس می‌کنیم ولی زمان برای خدا لایتنه‌ای یا بی‌پایانه. با کفارهای که مسیح برای ما فراهم کرد، کسانی که در مسیح هستند وارد حیات ابدی خدا می‌شن. حیات ابدی به این معنی است که ما در مسیح با خدا تا ابد زنده هستیم. حیات ابدی مثل یه تقویم با تعداد برگ‌های نامتناهی نیست بلکه یک وضعیت وجودی است که در اساس اون خود خداست. اما کلمه «حیات» از اهمیت زیادی برخورداره چون در کتاب مقدس بین «حیات» و «موت» تفاوت زیادی وجود داره. و بعد از داوری بین حیات ابدی و مرگ دوم تفاوت هست. بنابراین حیات ابدی تأیید می‌کنه افرادی که در مسیح گناهان‌شان بخشوده شده تا ابد با خدا و مسیح زندگی خواهند کرد. ما تا ابد در حضور خداوند خواهیم بود. ما وضعیت وجودی جدیدی میشیم که ابدی و بی‌زمان یا لایتناهی که نشان‌دهنده جلال خداست که با خودش آرامش، خوشی و شور حضور خدا و پرستش اوست. و در نقطه مقابل اون، جهنم قرار داره که از آن به عنوان مرگ دوم یاد می‌شه. در مورد حیات ابدی تنها ابدیت اون مطرح نیست بلکه مهم اینه که به جای زندگی در جهنم، در دولتمندی بودن با در کنار مسیح و مشارکت با خدا زندگی خواهیم کرد.

- دکتر آلبرت موهلر

حیات ابدی هدیه‌ی رهایی از داوری و ورود به آرامی و خوش ابدی است و تنها می‌توان آن را از طریق ایمان به پسر خدا یعنی عیسی به دست آورد و انجیل یوحنا حداقل دو دلیل برای آن می‌آورد. اول اینکه مسیح خالق و منشأ این حیات است که در یوحنا ۱:۱-۵ و ۲۶:۵ و ۲۵:۱۱ و ۱۴:۶ آن را می‌بینیم. بنابراین عیسی این حق را دارد که حیات را به هر کسی که بخواهد بدهد. در واقع، عیسی این حقیقت را به صراحت در یوحنا ۵:۲۱ اعلام می‌کند. دومین دلیلی که تنها می‌توان از طریق عیسی این حیات را به دست آورد این است که تنها اوست کلمات حیات را در اختیار دارد که آن پیغام انجیلی است که مردم را به سوی شناخت نجات‌بخش خدا هدایت می‌کند. عیسی این موضوع را در یوحنا ۶:۶۳ و ۴۹:۱۲-۵۰ توضیح می‌دهد و پطرس در یوحنا ۶:۶۸ آن را تأیید می‌کند.

عیسی «همان شخص و فقط اوست» یا همانطور که در یوحنا ۱:۱۸ آمده او «همان یگانه فرزند» خداست. هیچ کس مثل عیسی نتوانسته خداوند را مکشوف کند چون هیچکس غیر از او مثل عیسی از جانب خدا نیامده است. نقش بی‌نظیر عیسی مکشوف کردن خدا از خصوصیت هویتی او یعنی «خدای واحد و یگانه» سرچشمه می‌گیرد. او آمد تا پدر را به ما نشان دهد و به ما حیات ابدی ببخشد.

در سرتاسر انجیل یوحنا، عیسی به هرکسی که به او ایمان بیاورد حیات می‌بخشد. کسانی که ایمان نمی‌آورند و حرف‌های او را درک نمی‌کنند و در واقع حیات ابدی عیسی را رد می‌کنند. اما کسانی که ایمان می‌آورند بلافاصله حیات جاودانی و برکات بی‌شمار دنیای پس از این را دریافت می‌کنند.

نتیجه‌گیری

ما در این درس به پیشینه انجیل به روایت یوحنا، عبارات به کار رفته از سوی نویسندگان، جهت‌گیری نگارش، ساختار و محتوا و مضامین اصلی ایمان یعنی هویت عیسی به عنوان مسیح و پسر خدا و برکات زندگی در نام او پرداختیم.

انجیل یوحنا به ما نشان می‌دهد که عیسی تکمیل‌کننده وعده‌های برکت خداست. عیسی همان مسیح است. او وعده‌های پر جلال خداوند را نگاه خواهد داشت چون عیسی پسر نجات‌دهنده خداوند است. و آن وعده‌ها و نجات در پی خود حیات جاودانی را به همراه دارند. اگر هنگام مطالعه انجیل یوحنا به این امیدها تکیه کنیم، آنها را بهتر درک کرده و در زندگی خودمان به کار می‌بندیم. و اگر در زندگی آنها را به قلب خودمان بسپاریم، برای جلال دادن خدا آماده‌تر می‌شویم و از حیات ابدی که از طریق پسرش عیسی به ما بخشیده بهره‌مند خواهیم شد.